

جنگ آذربایجان عربی در

راهیان نور شمال غرب کشور - شهر یور ۹۲
معاونت راویان ستاد مرکزی راهیان نور کشور



پدیده اورنگان

عنوان:

آذربایجان غربی در جنگ

پدیده اورنگان:

سردار رستگار پناه

سردار مجید مشایخی

تهیه و نظارت:

سرهنک پاسدار

منصور عیوضی

معاونت رایان

ستاد مرکزی راهیان نور کشور

فهرست مطالب

۲۱.....	عملیات شهید بهشتی.....	۵.....	جغرافیای طبیعی.....
۲۱.....	عملیات شهید صدوقی.....	۵.....	کومه له.....
۲۱.....	عملیات ثارالله.....	۶.....	جنایات گروهک ها.....
۲۲.....	شهرک ربط.....	۷.....	پیام رهبر کبیر انقلاب.....
۲۲.....	منطقه ی منگور.....	۸.....	غارت پادگان مهاباد.....
۲۲.....	عملیات شهید حسینی.....	۹.....	اعزام نمایندگان امام خمینی (ره).....
۲۳.....	عملیات شهید احمد صفرزاده.....	۹.....	آشوب در نقره.....
۲۳.....	عملیات فتح.....	۹.....	ادامه ی بحران.....
۲۴.....	تامین مرزهای استان.....	۹.....	تلاش هیئت حسن نیت.....
۲۵.....	عملیات رمضان.....	۱۰.....	حوادث خونین.....
۲۵.....	عملیات لیلہ القدر.....	۱۱.....	تاسیس قرارگاه حمزه سیدالشهدا(ع).....
۲۴.....	عملیات نصر.....	۱۱.....	ماکو.....
۲۶.....	آذربایجان غربی در دفاع مقدس.....	۱۱.....	خوی.....
۲۷.....	تجاوزات عراق قبل از آغاز جنگ.....	۱۲.....	سلماس.....
۲۷.....	اولین بمباران سردشت.....	۱۲.....	ارومیه.....
۲۷.....	حجوم سراسری ارتش عراق.....	۱۳.....	نقره.....
۲۸.....	بمباران زندانیان دولتی.....	۱۳.....	اشنویه.....
۳۰.....	عملیات والفجر ۲.....	۱۳.....	مهاباد.....
۳۰.....	عملیات قادر.....	۱۴.....	پیرانشهر.....
۳۱.....	عملیات کربلای ۲.....	۱۴.....	سردشت.....
۳۱.....	عملیات کربلای ۷.....	۱۵.....	بوکان.....
۳۱.....	عملیات نصر ۷.....	۱۵.....	میان دو آب.....
۳۱.....	عملیات نصر ۸.....	۱۵.....	شاهین دژ.....
۳۲.....	عملیات بیت المقدس ۲.....	۱۶.....	تکاب.....
۳۲.....	عملیات بیت المقدس ۳.....	۱۶.....	آزادسازی راه های ارتباطی.....
۳۳.....	عملیات های نامنظم.....	۱۶.....	جاده ارومیه - مهاباد.....
۳۳.....	عملیات فتح ۱.....	۱۷.....	جاده پیرانشهر - مهاباد - سردشت.....
۳۳.....	عملیات فتح ۳.....	۱۷.....	جاده پیرانشهر - هنگک آباد - سردشت.....
۳۴.....	عملیات فتح ۶.....	۱۸.....	جاده مهاباد - سردشت.....
۳۴.....	عملیات فتح ۱۰.....	۱۹.....	جاده مهاباد - بوکان.....
۳۵.....	عملیات ظفر ۴.....	۲۰.....	آزادستزی مناطق بینابینی.....
۳۵.....	شهید بروجردی.....	۲۰.....	عملیات شهید فتحی.....
۳۶.....	شهید گنجی زاده.....	۲۰.....	منطقه ی مکریان شمالی.....
۳۷.....	شهید علی قمی کردی.....		

جغرافیای طبیعی:

استان آذربایجان غربی با ۳۷،۴۶۳ کیلومتر مربع وسعت (۲/۳ درصد از مساحت کشور) در شمالغرب ایران واقع شده است. این استان از شمال به جمهوری نخجوان؛ از شرق به استان های آذربایجان شرقی و زنجان؛ از جنوب به استان کردستان و از غرب به مرز های ایران با عراق و ترکیه منتهی می شود.

آذربایجان غربی تنها استان ایران است که با سه کشور مرز مشترک دارد. طول مرز های این استان ۸۲۳ کیلومتر است که ۱۳۵ کیلومتر مرز آبی با جمهوری نخجوان؛ ۴۸۰ کیلومتر با ترکیه و ۲۰۰ کیلومتر آن نیز با عراق است.

وجود سلسله ارتفاعات زاگرس که در غرب استان و در طول نوار مرزی ایران با ترکیه و عراق قرار دارد، سبب شده است کوه های مرتفع در استان آذربایجان غربی پدیدار شود که مهم ترین آن ها کوه های بز سینا و دالانپر داغ (ارومیه)، کلاشین و سپیبارز (اشنویه)، کندی شیخان و میدان استر (مهاباد)، قندیل (پیرانشهر)، جاسوسان، کاسه شکن و لک لک (سردشت) است.

استان آذربایجان غربی سکونتگاه دو قوم بزرگ آذری و کرد است، آذریان در مناطق شمالی مرکزی و شرقی استان سکونت دارند و کردها در مناطق غربی (حاشیه ی مرز ایران با ترکیه و عراق) و جنوبی استان ساکن هستند، علاوه بر این دو قوم آشوریان و ارمنه نیز به طور پراکنده در نواحی شمالی و مرکزی استان سکونت دارند، زبان اکثر مردم آذربایجان غربی آذری و کردی است و اقلیت قوم کوچک هم به زبان ارمنی و آشوری و یهودی صحبت می کنند.

در فضای سیاسی بهمن ۱۳۵۷، قاسملو و تعدادی از کادر های حزبی از کشور های اروپا به ایران بازگشتند و افراد جدیدی را جذب کردند، آنان بلافاصله بعد از پیروزی انقلاب اسلامی با غارت چند پادگان، سلاح و تجهیزات بسیاری به دست آوردند و با مسلح کردن افراد، تشکیلات حزب رادر سراسر مناطق کردنشین ایران توسعه دادند و سپس کوشیدند با افزایش دامنه درگیری های کردنشین، مقدمات تجزیه ی مناطق کردنشین را فراهم کنند.

تلاش تجزیه طلبانه ی حزب دمکرات و سایر گروه های فعال در این منطقه سبب شد بسیاری از یگان های ارتش، سپاه و ژاندارمریدر جنگ ضد شورشگری در مناطق کردنشین درگیر شوند و عراق از همین فرصت استفاده کرد و در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ بخش وسیعی از مناطق مرزی ایران را در جنوب و غرب کشور به اشغال خود در آورد.

در طول سال های جنگ حزب دمکرات نهایت همکاری را با ارتش بعث عراق برای درگیر نگه داشتن واحدهای عملیاتی سپاه و ارتش در مناطق کردنشین انجام داد، اما حکومت صدام از هیچ گونه جنایتی در مناطق کردنشین ایران و عراق به ویژه بمب باران شیمیایی شهر های سردشت و حلبچه؛ تخریب روستاها و آواره کردن مردم کرد فروگذار نکرد.

با خاتمه جنگ عراق علیه ایران، حزب دمکرات کوشید همچنان به جنگ با نیروهای مسلح ایران برای کسب خودمختاری ادامه دهد، اما با تمرکز توان نظامی واحدهای سپاه، افراد حزب به کشور عراق گریختند و سپس کادر های اصلی به مرور به اروپا رفتند و افراد رده پایین رادر عراق اسکان دادند.

کومه له:

تعدادی از دانشجویان کرد دانشگاه های تهران و تبریز در سال ۱۳۴۸، محفلی را تشکیل دادند و با نقد و بررسی ناکامی جنبش کردها در گذشته به این نتیجه رسیدند که چون رهبران آنها، از جمله قاضی محمد به دلیل وابستگی به سران عشایر و خوانین متکی به مردم نبوده اند، بنابراین توان بسیج مردم و مقابله با نیروهای دولت مرکزی را نداشته

اند. این محفل که به مرور تعدادشان به ۲۰ نفر رسید، طی سال‌های ۱۳۵۱ تا ۱۳۵۳ از سوی ساواک دستگیر شدند و فقط برخی از آنان توانستند فرار کنند و تا بهمن ۱۳۵۷ نتوانستند هیچ‌گونه اقدام نظامی انجام دهند.

در جریان پیروزی انقلاب اسلامی، زندانیان سیاسی این محفل آزاد شدند و به همراه افرادی که از خارج بازگشته بودند، جلسه‌یی تشکیل دادند و آن‌را کنگره‌ی اول نامیدند. در این جلسه نام گروه، «اتحادیه‌ی کشاورزان (یکتی جوتاران) انتخاب و فوادمصطفی سلطانی به دبیر کلی برگزیده شد. وی در ۳ شهریور ۱۳۵۸ در درگیری جاده‌ی مریوان - سفر کشته شد و بقایای گروه پس از آن، ایدئولوژی مارکسیسم - لنینیسم را برگزیدند و نام تشکیلات را «سازمان انقلابی زحمت کشان کردستان ایران (کومه‌له)» گذاشتند.

دو کین کنگره‌ی کومه‌له در سال ۱۳۶۰ برگزار شد. در این کنگره با انتخاب عبدالله مهتدی به دبیر کلی کومه‌له، بر ادامه مبارزه مسلحانه تا براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران تأکید شد.

هنگامی که گروه‌های کمونیست سایر نقاط کشور نبرد مسلحانه را برگزیدند، تعدادی از افراد اتحاد مبارزان کمونیست به کردستان گریختند و در شهریور ۱۳۶۲ با کومه‌له ادغام شدند و تشکیلات جدیدی به نام حزب کمونیست ایران را تأسیس کردند؛ عبدالله مهتدی دبیر کل تشکیلات جدید شد و کومه‌له هم به دبیر کلی ابراهیم علیزاده به عنوان شاخه‌ی کردستانی این حزب به فعالیتش ادامه داد.

کومه‌له به دلیل پیروی از کمونیسم، مشی سیاسی افراطی و خشن داشت و در دوره‌ی بروز بحران در مناطق کردنشین ایران، اعضای گروه برای به بن بست کشاندن مذاکرات هیئت حسن نیت و ادامه‌ی جنگ در کردستان تلاش بسیاری کردند.

ضربات پی در پی رژیم‌گان اسلام به اعضای کومه‌له؛ درگیری آنان با حزب دموکرات و اختلافات درون گروهی سبب شد افراد کومه‌له در سال‌های آخر جنگ تحمیلی عراق بر ایران، در عراق ساکن و فقط تعدادی از آنان برای عملیات وارد ایران شوند، اما بعد از خاتمه‌ی جنگ، حضور کومه‌له در مناطق کردنشین کم تر شد تا به مرور کادرهای اصلی به اروپا رفتند و افراد عادی در عراق باقی ماندند.

جنایات گروهک‌های مسلح غیر قانونی در منطقه کردستان

موارد شاخص جنایات آنان عبارتست از:

۱. حمله به پادگان مهاباد، سنج و ...
۲. ایجاد جنگ و برادر کشی در نرده
۳. طرح توطئه پاه و کشتار بی رحمانه‌ی مردم و قتل عام پاسداران مجروح در بیمارستان
۴. تکرار حملات ناجوانمردانه به ستون‌های نظامی و اعضای جهادسازندگی به طرق مختلف.
۵. ایجاد جو ترور، وحشت، فشار و سر به نیست نمودن مخالفان و هواداران انقلاب اسلامی به خصوص پیشمرگان مسلمان کرد
۶. تشکیل دادگاه‌ها و زندان‌های به اصطلاح خلقی در منطقه و اجرای احکام کذایی
۷. آواره نمودن بسیاری از ساکنین شهر و روستاها به جرم حمایت از نظام جمهوری اسلامی ایران یا عدم همکاری با گروه‌ها

۸. همکاری بسیج با دولت مزدور عراق، اسرائیل، آمریکا، مصر، روسیه، انگلیس، فرانسه و ...
۹. تبلیغات و وسیع علیه مسئولین نظام، ارگان‌های قانونی، ایجاد و تشدید اختلافات مذهبی و قومی
۱۰. ممانعت از حرکت ستون‌های نظامی به سوی مرز برای مقابله با رژیم مزدور عراق و تاراج نمودن تجهیزات آنها
۱۱. غارت نمودن غذا و دارو که بعضی برای مردم محروم منطقه و برخی برای خطوط مقدم جبهه اعزام میشد
۱۲. سپر بلاقرار دادن مردم بی گناه برای برآورده شدن خواسته‌های پلید خود
۱۳. بمب باران متعدد (تأسیسات و ...) با هماهنگی ارتش عراق
۱۴. حمله به مراکز و تأسیسات غیر نظامی شهرهای شمالغرب
۱۵. آتش افروزی گسترده در حمله به شهرها و محورهای مواصلاتی و ناامن نمودن آنها

پیام رهبر کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی (ره) به مردم کردستان در تاریخ ۱۳۵۸/۵/۲۹

بسم الله الرحمن الرحيم

اهالی محترم کردستان، دوستان معظم من، پس از پیروزی انقلاب و اعلام جمهوری اسلامی گروه‌هایی که با اسلام دشمن هستند و از وابستگان اجانب می‌باشند شروع به فعالیت بر ضد نهضت اسلامی و بر ضد جمهوری اسلامی نمودند. حتی بعضی از آنها علنی مخالفت کرده و رفراندوم را تحریم نمودند و شما برادران دیدید که حزب دموکرات کردستان وابستگی مستقیم به آمریکا و صهیونیسم دارد.

در آستانه تشکیل مجلس خبرگان و سپس از راهپیمایی عظیم مسلمین برای قدس، سرکردگان خائن این حزب جوانان را اغفال نموده و به برادر کشی کشاندند. برادران مسلمان من شما به تبلیغات فریبنده این مخالفین اسلام که می‌خواهند کشور مسلمان ما را به کفر بکشند گوش ندهید و نگذارید جوانان عزیز به دام این منحرفین بیفتند. من از اهالی محترم کردستان تشکر و افرمی کنم که بر تعهد انسانی و اسلامی خود باقی هستند و از آنان تقاضای کمک که از قوای انتظامی اسلامی پشتیبانی کنند و سران این احزاب و مفسدین را در این منطقه بگیرند و تحویل دهند بدانند که با این عمل رضایت خداوند تعالی و پیغمبر عظیم الشان اسلام (ص) را به دست آورده‌اند. حزب دموکرات کردستان غیر رسمی و غیر قانونی اعلام شد و چون حزب شیطان است باید تمامی اهالی کردستان به وظیفه‌ی شرعی عمل و جوانان خود را از عضویت در این حزب منحل نمایند و با قاطعیت تمام از توطئه این جنایتکاران جلوگیری و مخفی گاه‌های سران آنان را به دولت و ارتش اسلامی معرفی کنند. امید است این عمل شما موجب قبول عبادات در درگاه حق تعالی بشود. در خاتمه تأکید می‌کنم که اسلام تنها پناه گاه همه ماست و در زیر پرچم پرافتخار آن، همه گروه‌ها به حقوق خود می‌رسند. عوامل اجتناب که منافع خود و اربابانشان را در خطر می‌بینند برای تحریک برادران اهل تسنن و دامن زدن به برادر کشی، قضیه شیعه و سنی را طرح نموده و می‌خواهند با شیطنت بین برادران اختلاف ایجاد کنند. در جمهوری اسلامی همه برادران شیعه و سنی در کنار هم و با هم برادر و در حقوق مساوی هستند. هر کس خلاف این را تبلیغ کرد دشمن اسلام و ایران است و برادران کرد باید این تبلیغات غیر اسلامی را در نطفه خفه کنند. از خداوند تعالی وحدت کلمه‌ی مسلمین و نابودی منافقین را خواهانیم.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

پیروزی انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی پیروز می‌شود. حمایت از مستضعفان و محرومان به فرمان حضرت امام (ره) سرلوحه کارها قرار می‌گیرد.

پرسنل جهاد سازندگی، کمیته امداد امام خمینی (ره)، نهضت سوادآموزی و... به مناطق محروم از جمله کردستان اعزام می‌شوند ولی از آنجایی که دشمن، آن خطه را برای اهداف شوم خود انتخاب نموده بود و می‌دانست اگر حکومت اسلامی بخواهد به مشکلات این منطقه رسیدگی کند آنان نمی‌توانند به مقاصد و حیات خود ادامه دهند، لذا دست به آزار و شکنجه نیروهای حامی مستضعفان زد تا جایی که حتی مردم مسلمان منطقه به جرم اعتراض و حمایت از آنان با فجیع‌ترین وضع به شهادت می‌رسند.

گروه‌های ضدانقلاب پس از اعلام جنگ مسلحانه به پشتیبانی استکبار جهانی در اولین قدم‌های خود اکثر پاسگاه‌های ژاندارمری، شهربانی، ساختمان‌های ادارات، سازمان‌ها و... را تصرف و اموال آنها را به غارت برده و متعاقب آن با جذب نیرو و در اختیار گرفتن تجهیزات نظامی، آماده نفوذ گسترده تری در منطقه شمالغرب (کردستان) شدند. تا جایی که در تاریخ ۱۳۵۷/۱۲/۱ به پادگان مهاباد حمله نموده و پس از موفقیت در اشغال پادگان مهاباد، پادگانهای ارتش در پیرانشهر و پسوهراموردتهاجم قرار داده و به سقوط می‌کشاند. سپس با تسلط بر شهرها به طور کلی منطقه را ناامن می‌کنند.

در طول تسلط اشرار مسلح در منطقه و انجام اعمال نامشروع و ناروا، گروهی از علما و مردم برای اعتراض به جنایات ضدانقلاب و خوانین دست به تحصن و مهاجرت از روستاها به شهرها می‌زنند و گروهی به عنوان نماینده به تهران عزیمت و ضمن دیدار با حضرت امام (ره) و دیگر مسئولین خواهان پایان دادن به ظلم و جنایات گرووهک‌ها در منطقه می‌شوند.

فرمان تاریخی حضرت امام (ره) در ۲۷ و ۲۸ مرداد ۱۳۵۸ مبنی بر سرکوب هر چه زودتر اشرار مسلح و جدانمودن صف ضد انقلاب از مردم صادر و سیل نیروهای انقلابی برای نجات کردستان مظلوم از دست دژخیمان به منطقه سرازیر می‌شود.

سرنگونی سریع سلسله‌ی پهلوی در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، سبب شد قبل از تثبیت پایه‌های نظام جمهوری اسلامی در ایران، شهرها و به ویژه مناطق دور افتاده برای مدتی به دست افراد انقلابی یا روحانی اداره شوند. در همین دوره، فعالان سیاسی کرد که از خارج آمده بودند به همراه زندانیان آزاد شده و برخی روحانیون مناطق کردنشین تصمیم گرفتند با توجه به خلاقدرت در ایران، به جای تلاش برای استقرار نظام جدید، اهداف گروهی خود را دنبال کنند. این افراد در اول اسفند ۱۳۵۷ پادگان تیپ مهاباد را اشغال کردند و سلاح‌ها و تجهیزات آن را به غارت بردند. سپس با ترویج شعار کسب خودمختاری برای کردستان، فعالیت‌هایشان را در ابعاد سیاسی و نظامی سازمان‌دهی کرده، با جذب تعدادی از مردم، به پادگان‌ها و پاسگاه‌های انتظامی حمله کردند و کنترل اداره‌های شهر را به دست گرفتند.

غارت پادگان مهاباد

پادگان تیپ سوم لشکر ۶۴ ارومیه در شهر مهاباد واقع شده و همواره نقش اساسی در پشتیبانی از شهربانی و ژاندارمری مهاباد برای حفظ امنیت این شهرستان داشته است.

یک هفته پس از پیروزی انقلاب اسلامی، گروه‌های مخالف کرد که برای آغاز جنگ مسلحانه در کردستان نیاز به سلاح و مهمات داشتند و وجود این پادگان و سایر پادگان‌های ارتش را مانع تحقق اهدافشان می‌دانستند، طرحی تهیه کردند که در آن شماری از نیروهای نظامی هماهنگ با گروه‌های کرد در اول اسفند ۵۷ به بهانه‌ی وابسته بودن فرمانده پادگان و برخی افراد ستادی تیپ ۳ به حکومت سابق، آنان را خلع سلاح کرده و ضمن انتخاب یک افسر

کرد به فرماندهی پادگان با شورای انقلاب مه‌باد اعلام همبستگی کردند. هفت ماه بعد پادگان مه‌باد در جریان آزادسازی شهر مه‌باد در ۱۳۵۸/۶/۱۲ از کنترل نیروهای شورشی خارج شد و دوباره مأموریت‌های ذاتی خود را برای برقراری امنیت در منطقه آغاز کرد.

اعزام نمایندگان امام خمینی (ره)

هنگامی که شایعه خود مختاری مناطق کردنشین در اولین هفته پس از پیروزی انقلاب اسلامی منتشر شد، همزمان دو هیئت از سوی امام خمینی و دولت موقت به مناطق کردنشین استان آذربایجان غربی اعزام شدند، هیئت اول به سرپرستی دکتر محمد مکرری و هیئت دوم به سرپرستی داریوش فروهر از ۳۰ بهمن تا ۲ اسفند ۵۷، از شهرهای مه‌باد، پیرانشهر و نقده بازدید کردند و پیام امام خمینی را به منتقدین مذهبی و سیاسی و همچنین مردم این شهرها رساندند.

آشوب در نقده

حزب دموکرات برای نمایش قدرت، با فراخوان طرفدارانش در مناطق کردنشین، در روز جمعه ۱۳۸۵/۱/۳۱ تجمعی در ورزشگاه شهر نقده برگزار کرد، این مراسم در ساعت ۹ صبح با حضور حدود ۲۰ هزار نفر از افراد مسلح و غیر مسلح آغاز شد و در حین سخنرانی عده‌ای در بین جمعیت شروع به تیراندازی کردند که این اقدام سبب وحشت افراد حاضر در ورزشگاه و پراکنده شدن آنان در نقاط گوناگون شهر شد، افراد مسلح بی‌درنگ در خانه‌ها، روی بام‌ها و باغ‌های اطراف سنگر گرفتند و با تیراندازی به هر سورعی زیادی در بین جمعیت آذری نشین شهر نقده به وجود آوردند، دو طرف به تصور این که طرف مقابل در صدد ضربه زدن به آنان است، تلاش می‌کردند به طرف مقابل تلفات بیشتری وارد کنند.

روحانیان شیعه و اهل تسنن نقده و سپس روحانیون شهرهای ارومیه و مه‌باد برای خاتمه‌دهی درگیری تلاش بسیار کردند، اما نتیجه‌ای کسب نکردند و نقده تا روز یکشنبه عرصه خونین‌ترین درگیری بین اکراد و آذری‌ها بود طوری که بسیاری از مردم ناچا شدند زیر آتش سلاح‌های نیمه سنگین و سبک، شهر را ترک کنند. بدین جهت گروهی از پاسداران ارومیه عازم نقده شده و بر تپه‌های اطراف شهر مسلط شدند.

ادامه بحران

امام خمینی (ره) که تا اواسط مرداد ۱۳۵۸ می‌کوشیدند با تدابیر گوناگون بحران مناطق کردنشین را کنترل کنند، پس از شورش‌های پی‌درپی در سنندج، نقده، میوان و پاوه در ۱۳۵۸/۵/۲۷ فرمان پاکسازی مناطق آلوده به تجزیه طلبان را صادر کردند.

تلاش هیئت حُسن نیت

همزمان با عملیات یگانهای نظامی، انتظامی و نیروهای مردمی برای پاکسازی مناطق کردنشین آذربایجان غربی، سران گروه‌هایی که مذاکرات قبلی را به بن‌بست کشانده بودند، بار دیگر از دولت موقت درخواست کردند هیئتی را به مناطق کردنشین اعزام کند. به دنبال این درخواست، آیت‌الله طالقانی و مهندس هاشم صباغیان به نمایندگی از دولت موقت در ۸ شهریور ۱۳۵۸ در ملاقاتی با امام (ره) درخواست گروه‌های تجزیه طلب را مطرح کردند. در این

دیدار آیت الله صدوقی نیز حضور داشت، امام خمینی با مذاکره‌ی مجدد مخالفت کردند و درخواست گروه‌ها را ترفندی برای وقت‌کشی و تجهیز بیشتر شورشیان دانستند. با وجود این در ۱۸ شهریور ۵۸ امام خمینی اعلام کردند شورشیانی که سلاح‌شان را تحویل دهند مشمول عفو عمومی می‌شوند.

در ۲۶ آبان ۱۳۵۸، با پیام امام خمینی بر حق اداره امور داخلی و محلی برای همه اقوام، از جمله کردها تأکید و از مسئولان کشور خواسته شد قوانین و مقررات مربوط به آنها را تهیه و تصویب کنند. در پی این اقدام مردم مناطق کردنشین یک هفته به جشن و پای کوبی پرداختند. هیئت حسن نیت در ۲۹ آذر ۱۳۵۸، طرح خودگرایی استان‌ها را منتشر کرد تا اقوام گوناگون نظرهایشان را درباره‌ی آن بیان کنند.

در ۸ دی ۱۳۵۸، هیئت نمایندگی خلق کرد «ضمن رد این طرح، طرح دیگری را در ۲۶ ماده ارائه کرد. در ۱۱ دی ۱۳۵۸، داریوش فروهر در مصاحبه‌ای اعلام کرد، طرح پیشنهادی هیئت نمایندگی خلق کرد پذیرفته نمی‌شود و از اصرار این هیئت برای استفاده از کلمه‌ی خودمختاری به جای خودگردانی ابراز تعجب کرد. در ۱۴ دی ۱۳۵۸ حزب دموکرات در اطلاعیه‌ای اعلام کرد: مذاکرات به بن بست رسیده است و احتمال وقوع جنگ در کردستان وجود دارد. در این اطلاعیه با لحن تهدید آمیزی بیان شده بود که عواقب وخیمی برای انقلاب در سراسر کشور پیش بینی می‌شود.

حوادث خونین

شورشگران آذربایجان غربی در حالیکه گفتگو و مذاکره را شعار خود قرار دادند دست به اقدامات فاجعه آمیز می‌زدند. در ۱۵ مهر ۱۳۵۸ بیش از ۳۰۰ نفر در مسیر ۶۲ نفر از نیروهای سپاه که مأموریت آنان در شهر سردشت به پایان رسیده بود، در محدوده پل فلزی کلته کمین کردند و ۲۵ نفر را شهید و ۱۰ نفر را مجروح و ۲۰ نفر را اسیر کردند. در این حادثه اسفبار فقط ۷ نفر توانستند با عبور از مناطق جنگی به سلامت به سردشت بازگردند.

در ۲۰/۷/۱۳۵۸ شورشیان به ۷ نفر از پاسداران که در حال عبور از خیابانی در مهاباد بودند حمله کردند، با شروع این عملیات تروریستی، پاسداران به ساختمان شهرداری مهاباد پناه بردند. متقابلاً گروه‌های مسلح به سرعت شهرداری مهاباد را محاصره و به آن حمله کردند. در این تهاجم سروان محسن یارجانی رئیس شهرداری مهاباد و ۳ افسر دیگر شهید و ۷ نفر نیز مجروح شدند.

در ۲۰/۷/۱۳۵۸ گروه‌های شورشی با کمین کردن در مسیر بازگشت دکتر چمران وزیر دفاع و تیمسار فلاحی فرمانده نیروی زمینی ارتش از روستای شند، با آربی جی ۷ خودروی آنان را منهدم کردند در این حادثه به دکتر چمران و تیمسار فلاحی آسیبی نرسید.

در ۱۰/۷/۱۳۵۸ گروه‌های تجزیه طلب با کمین کردن در مسیر حرکت ستون ارتش از سردشت به بانه ۳۳ نفر را شهید و ۷۰ نفر را مجروح و ۶۰ نفر را اسیر کردند.

در ۱۳/۷/۱۳۵۸ در آستانه ورود نماینده حسن نیت به سردشت، شورشیان در عملیاتی ۸ نفر از رزمندگان را شهید و ۳۵ نفر را مجروح کردند. شورشیان در همین روز با توپ و خمپاره به محل ورود بالگرد عامل داریوش فروهر حمله کردند که آسیبی به اعضای هیئت حسن نیت نرسید.

در ۱۵/۷/۱۳۵۸ گروه‌های شورشی به پایگاه ژاندارمری اشنویه حمله و ۳ نفر را شهید و ۱۸ نفر را مجروح کردند. روز

بعد هیئت‌ی برای بررسی موضوع از سوی استانداری و ژاندارمری آذربایجان غربی به اشنویه رفت، اما شورشیان بار دیگر به این پایگاه حمله و ۵ ژاندارم دیگر را شهید و ۲ نفر را نیز مجروح کردند. در ۱۳۵۷/۱۰/۱۷ شورشیان با هماهنگی عزالدین حسینی به ستون نیروهای ژاندارمری که از ارومیه به مهاباد می‌رفتند حمله و ۱۲۰ نفر از پرسنل ژاندارمری را خلع سلاح کردند. این اقدامات که قبل، حین و بعد از مذاکرات هیئت حسن نیت با سران شورشگران انجام می‌شد حاکی از آن بود که شورشگران مذاکره با دولت مرکزی را اقدام راهبردی نمی‌پنداشتند و می‌کوشیدند با به کارگیری سلاح خواسته‌هایشان را با دولت مرکزی تحمیل کنند.

تأسیس قرارگاه حمزه سیدالشهدا (ع)

در دوران آغازین جنگ ضد شورشگری در مناطق کردنشین ایران هماهنگی چندانی بین سازمان‌های عمل‌کننده وجود نداشت و فقط رابط فراسازمانی بین فرماندهان منطقه و ویژگی‌های اخلاقی فرمانده سپاه غرب کشور (محمد بروجردی) موجب می‌شد برخی امور بین سازمانها هماهنگ شوند. بنابراین طبیعی بود برخی مشکلات سازمانی و اداری بین نهادها و ارگان‌های رسمی حل نشده باقی بماند. به خصوص آنکه واحدهای تابع این سازمانها نیز که در ۳ استان آذربایجان غربی، کردستان و کرمانشاه مستقر بودند با یکدیگر هماهنگ نبودند و اقدامات مربوط به ضد شورشگری اغلب با سیاست‌های محلی فرماندهان هر استان اجرامی شود.

در سال ۱۳۶۱ مقرر شد برای ایجاد هماهنگی بیشتر در برخورد با گروه‌های شورشی و برقراری امنیت در مناطق کردنشین ایران قرارگاه حمزه توسط سپاه، ارتش و ژاندارمری در ارومیه تأسیس شد تا بین این سازمانها و واحدهای تابعشان هماهنگی ایجاد کند.

ماکو

شهرستان ماکو ۴۳۵۵ کیلومتر مربع وسعت دارد، ماکو در گذشته یکی از قلعه‌های مستحکم سرحدات ایران با عثمانی بوده و جنگ چالدران در سال ۹۲۰ ه.ق. بین ارتش عثمانی با ایران در جنوب این منطقه رخ داده است. بیشترین جمعیت ماکو آذری زبان هستند اما در نواحی روستایی غربی و جنوب غربی این شهرستان کردها زندگی می‌کنند و همین موضوع سبب شده بود گروه‌های شورشی با ایجاد تشکیلاتی در مناطق کردنشین این شهرستان شرارت‌هایی را در اطراف ماکو انجام دهند.

شورشیان در یکی از مهمترین حوادث در ۱۳۵۹/۳/۲۱ جوادقبری فرمانده سپاه ماکو، سرهنگ سلطان بیگی فرمانده هنگ ژاندارمری و استوار محمدزاده رئیس یکی از پاسگاه‌های مرزی را که برای بازدید به روستای یارم قیه رفته بودند، گروگان گرفتند و سپس آنان را به شهادت رساندند. بعد از این حادثه، هنگ ژاندارمری ماکو مأموری شد منطقه را پاکسازی کند، اما قبل از آن ضرب الاجلی را صادر کرد تا مردم سلاح‌هایشان را تحویل دهند که در طول آن ۳۶۶۹ اسلحه به ژاندارمری تحویل داده شد.

خوی

شهرستان خوی که در مسیر فرعی جاده ابریشم واقع شده است ۵۵۶۱ کیلومتر مربع وسعت دارد در مناطق مرزی

خوی کردها سکونت دارند و گروه های تجزیه به طلب با فعالیت در این مناطق از اواخر سال ۱۳۵۷ منطقه خوی را نا امن کردند شورشیان در اول مرداد ۱۳۵۸ مرکز گروهان ژاندارمری خوی و تعدادی از ژاندارم ها را گروگان گرفتند در همین روز ایستگاه راه آهن رازی نیز به اشغال شورشیان درآمد و ۶۰ نفر از کارکنان، زنان و کودکان ساکن در این ایستگاه گروگان گرفته شدند و عبور و مرور قطار بین ایران و ترکیه متوقف شد.

در حادثه دیگری در ۵۸/۱۲/۱۹ شورشیان با اعضای شورای تأمین شهرستان که مشغول بازدید از منطقه قطور بودند حمله کرده و ۶ نفر از جمله فرمانده هنگ ماهور را شهید و ۴ نفر در گر را مجروح کردند در این حادثه قربانعلی کوچری فرماندار و عسگر رحیمی مسئول واحد عملیات سپاه خوی با ۱۳ نفر دیگر به اسارت شورشیان درآمدند این ۲ نفر در ۱۳۵۹/۳/۲۷ به شهادت رسیدند بعد از این شرارت ها ژاندارمری در ۱۳۵۹/۳/۱۰ جاده خوی-قطور را به مدت ۲۴ روز با کسازای کرد و با این اقدام امنیت رفت و آمد قطارها در مسیر ایران- ترکیه برقرار شد. شهر خوی در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران ۶ بار هدف حمله هوایی قرار گرفته که در این حملات تعدادی از مردم این شهر شهید و مجروح شدند.

سلماس

شهرستان سلماس ۲۵۴۴ کیلومتر مربع وسعت دارد. در ۹۱ کیلومتری شمال ارومیه و ۳۰ کیلومتری مرز ترکیه قرار دارد. سلماس در زلزله ۱۳۰۹ به طور کامل ویران شد و شهر جدید در کنار بقایای شهر قدیم بنا شد بعد از پیروزی انقلاب اسلامی طرفداران حزب دموکرات وابسته به صنار مامدی و طاهر سیمیتقور و ستاهای غرب و جنوب غربی سلماس را که محل سکونت کردها است به آشوب کشیدند، به مصادره زمین و منازل روستاییان پرداختند و حدود ۲۰۰ نفر را در فروردین ۱۳۵۸ آواره کردند. آنان همچنین بارها در جاده سلماس-ارومیه به ویژه در گردنه قوشچی کمین گذاشتند و ضمن غارت اموال مردم تعدادی خودرو را به آتش کشیدند. در روز شنبه ۱۳۵۸/۶/۳ اشرا را وابسته به صنار مامدی به طور گسترده به سلماس حمله کردند که با تلاش نیروهای نظامی و انتظامی و نیز همکاری مردم متوالی شدند. به دنبال این شرارت ها یگان های ارتش، سپاه و ژاندارمری با همکاری نیروهای عشایر و مردم منطقه در طول سال های ۵۸ تا ۶۴ با اجرای عملیات های متعدد امنیت را به این شهرستان بر گرداندند. هوایمی از تش البعث عراق در طول جنگ تحمیلی ۹ بار شهر سلماس را هدف قرار دادند که در مجموع ازین حملات ۷۵ نفر از مردم شهید و ۱۸۹ نفر مجروح شدند.

ارومیه

شهرستان ارومیه ۵۲۵۱ کیلومتر مربع وسعت دارد این شهرستان محل تلاقی ادیان اسلام و مسیحیت (ارمنی و آشوری) دو قوم بزرگ آذری و ترک است با آغاز بحران در مناق کردنشین ایران به دلیل موقعیت استراتژیک شهرستان ارومیه، این شهرستان بسیار ناامن شد طوری که منطقه وسیعی از شمال، غرب و جنوب آن در کنترل شورشیان قرار گرفت و پیوسته در جاده های منتهی به آن کمین اجرامی شد.

یگان های ارتش، سپاه، ژاندارمری و بسیج عشایری تحت امر قرار گاه حمزه سیدالشهدا با همکاری حزب دموکرات کردستان عراق عملیات های متعددی در مناطق گوناگون این شهرستان در طول سال های ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۴ انجام دادند تا امنیت نسبی در ارومیه و روستاهای آن برقرار شد و بقایای نیروهای ضد انقلاب به ترکیه و عراق گریختند. ارومیه در جریان جنگ تحمیلی عراق علیه ایران ۷۴ بار هدف حمله هوایی ارتش عراق قرار گرفت که در طول آن ۵۹۵

شهید و ۱۲۲۵ نفر مجروح شدند.

نقده

شهرستان نقده ۱۰۵۰ کیلومتر مربع وسعت دارد که در ۱۰۰ کیلومتری جنوب ارومیه قرار دارد. حدود نیمی از جمعیت شهر آذری و نیم دیگر کرد هستند. با شروع فعالیت های گروه های مسلح تجزیه طلب در نقده آنان بسیار تلاش کردند که کردها و آذری ها را در مقابل هم قرار دهند و درگیری را در بقیه مناطق استان گسترش دهند به همین منظور گروه های تجزیه طلب در ۱۳۵۸/۱/۳۱ موجب فاجعه نقده شدند.

گروه های شورشی همچنین در تیرماه ۱۳۵۸ اعضای ایل زرزارا که از طرف ژاندارمری مسلح شده بودند محاصره و خلع سلاح کردند. شورشیان در ۱۳۵۸/۶/۱۱ با پرتاب چند نارنجک در جاده نقده- پیرانشهر ۱۵ نفر از نیروهای ژاندارمری را شهید و ۶ نفر را مجروح کردند.

حادثه روستای قارنا زمانی اتفاق افتاد که نیروهای ژاندارمری به تعقیب شورشیان پرداختند و در درگیری های ایجاد شده ۴۶ نفر از مردم روستا و ۷ نفر از شورشیان کشته شدند در پی این حادثه هیئتی از تهران به قارنا اعزام شد تا پیام تسلیت امام خمینی (ره) و دولت جمهوری اسلامی ایران را به اطلاع مردم این روستا برساند. در طول ۸ سال جنگ تحمیلی هواپیماهای ارتش عراق ۴ بار شهر نقده را بمب باران کردند که در اثر آن شماری از ساکنین آن شدیداً مجروح شدند و خسارت هایی به اماکن عمومی و منازل مردم وارد شد.

اشنویه

شهرستان اشنویه ۱۱۹۳ کیلومتر مربع وسعت دارد و در سال ۱۳۸۵ جمعیت آن ۶۴۵۵۱ نفر بوده است، مرکز شهرستان شهر اشنویه است که در ۷۳ کیلومتری جنوب ارومیه و ۱۵ کیلومتری مرز عراق قرار دارد. اشنویه در اوایل پیروزی انقلاب اسلامی، شهر کوچکی بود و زمانی که گروه های تجزیه طلب با ایجاد تشکیلاتی در آن، کنترل شهر را به دست گرفتند، دچار بحران شد. فرمان امام خمینی در ۲۷ مرداد ۱۳۵۸ موجب شد مردم شورشیان را در ۱۲ شهریور ۱۳۵۸ از شهر بیرون کنند، دو روز بعد نیروهای ارتش و سپاه وارد شهر شدند و امنیت را در این منطقه مرزی برقرار کردند.

آرامش در شهر اشنویه مدتی طولانی ادامه نیافت و بعد از اعلام آتش بس در منطقه برای پیشبرد مذاکرات هیئت حسن نیت گروه های جدایی طلب بار دیگر شهر اشنویه را به کنترل خود در آوردند به همین دلیل یگانهای سپاه، ارتش و ژاندارمری در ۱۳۶۰/۶/۱۹ با متواری کردن شورشیان وارد اشنویه شدند.

در دوران جنگ تحمیلی هواپیماهای عراق ۹ بار اشنویه را بمباران کردند که بر اثر آن تعداد زیادی از مردم این شهر شهید و مجروح شدند.

مهاباد

شهرستان مهاباد ۲۵۹۲ کیلومتر مربع وسعت دارد و در سال ۱۳۸۵ جمعیت آن ۲۰۱۰۴۹ نفر بوده است، تأسیس جمهوری مهاباد توسط قاضی محمد در ۱۳۲۴/۱۱/۳ این شهر را به یکی از مهمترین شهرهای کردنشین تبدیل کرد، در پی پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن ۱۳۵۷ گروه های تجزیه طلب مهاباد را پایگاه اصلی خود قرار دادند و احران در مناطق کردنشین را با اشغال پادگان تیپ مهاباد در ۱۳۵۷/۱۱/۲۹ آغاز کردند.

غارت سلاح ها و تجهیزات پادگان مهاباد موجب شد گروه های شورشی به سرعت بسیاری از هواداران ساده اندیش را جذب و مسلح کنند و ناامنی را در سطح استان گسترش دهند، بنا بر این یگانهای ارتش، سپاه و ژاندارمری ناچار شدند در ۱۳۵۸/۶/۱۲ شورشیان را سرکوب کنند و با استقرار در مهاباد کنترل شهر را در اختیار بگیرند. در چنین وضعیتی به درخواست گروه های جدایی طلب، هیئت حسن نیت از سوی دولت موقت برای مذاکره و حل مسالمت آمیز بحران در مناطق کرد نشین در ۱۰ آبان ۱۳۵۸ عازم شهر مهاباد شد و چند دور مذاکره با سران گروه ها و منتظران محلی انجام داد، اما هنگامی که با کار شکنی عزالدین حسینی و گروه های جریک های فدایی خلق (اقلیت) و کومله مذاکرات به بن بست رسید، نیروهای سپاه، ارتش و ژاندارمری با دیگر در ۱۳۵۹/۶/۲۶ با نیرو های ضد انقلاب درگیر شدند و شهر را از کنترل آنان خارج کردند و اقدامات بعدی را برای توسعه امنیت در مناطق روستایی و کوهستانی مهاباد و جاده های مواصلاتی بین شهری انجام دادند. در دوران جنگ تحمیلی، هواپیما های عراق سیزده با مهاباد را بمباران کردند که بر اثر آن ۸۰ نفر شهید و ۳۳۶ نفر مجروح شدند.

پیرانشهر

شهرستان پیرانشهر ۲۲۵۹ کیلومتر مربع وسعت دارد و در سال ۱۳۸۵ جمعیت آن ۱۱۲۹۹۴ نفر بوده است در ۱۴۶ کیلومتری جنوب ارومیه و ۷ کیلومتری مرز عراق قرار دارد. اهمیت این منطقه ی مرزی موجب شده بود در نظام گذشته دو پادگان ارتش در پیرانشهر و پسوه و یک پادگان از ژاندارمری در جلدیان احداث شود. به همین دلیل نیز گروه های تجزیه طلب بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به این پادگان حمله کردند.

در پی صدور فرمان امام خمینی در ۲۷ مرداد ۱۳۵۸ مبنی بر پاکسازی مناطق آلوده به ضد انقلاب، پیرانشهر در ۱۳۵۸/۶/۱۱ از تسلط گروه های شورشی خارج شد ولی در پی مذاکرات هیئت حسن نیت و خروج ارتش، سپاه و ژاندارمری از شهر، شورشیان دوباره به شهر بازگشتند و بر دامنه ی شورشیان دوباره به شهر بازگشتند و بر دامنه ی ناامنی ها افزودند، تا این که در ۲۷ مهر ۱۳۵۹ با حضور یگانهای سپاه، ارتش و ژاندارمری در پیرانشهر بار دیگر امنیت به شهر بازگشت.

شهر پیرانشهر در طول جنگ ۶۵ بار هدف حملات هواپیماهای عراق قرار گرفت و بارها توپ خانه های ارتش عراق نقاط مسکونی این شهر را گلوله باران کردند. در جریان این حملات ۶۶۳ نفر از اهالی این شهر شهید و ۳۹۴ نفر مجروح شدند.

سردشت

شهرستان سردشت ۱۴۱۱ کیلومتر وسعت دارد و در سال ۱۳۸۵ جمعیت آن ۱۰۵۵۶۹ نفر بوده است. و ۱۲ کیلومتری مرز عراق واقع شده و فاصله ی آن تا ارومیه ۲۴۰ کیلومتر است.

مجاورت سردشت با عراق و مناطق جنگلی این شهرستان فضای مناسبی را برای گروه های تجزیه طلب فراهم آورده بود و آنان با بهره گیری از این موقعیت توانسته بودند دفتر سیاسی، زندان و برخی مراکز وابسته را در محدوده ی این شهرستان (در جنگل های آلواتان و منطقه ی دولتو) راه اندازی کنند. آنان همچنین با حمله به هنگ ژاندارمری سردشت در ۱۳۵۸/۶/۲، این پادگان مرزی را اشغال و تجهیزات آن را غارت کردند.

در پی صدور فرمان امام خمینی در ۲۷ مرداد ۱۳۵۸ مبنی بر آزادسازی شهرهای کرد نشین، مردم سردشت در

۱۳۵۷/۶/۲ شورشیان را از شهر بیرون کردند و ۳ روز بعد نیروهای ارتشی، پاسدار و مردمی که تحت فرماندهی دکتر مصطفی جمران عملیات می کردند در ۱۳۵۷/۶/۱۵ وارد سردشت شدند. هواپیماهای عراق ۷۳ بار سردشت را بمباران کردند و توپ خانه های عراق نیز بارها این شهر را گلوله باران کرد. در این تحركات ۵۴۰ نفر از ساکنین سردشت شهید و هزاران نفر مجروح شدند در یکی از تلخ ترین حوادث دوران جنگ هواپیماهای عراق در ۱۳۶۶/۴/۷ شهر سردشت را بمباران شیمیایی کردند که در این اقدام جنایت کارذانه ۱۰۸ نفر شهید و صدها تن شیمیایی شدند.

بوکان

شهرستان بوکان ۲۵۴۱ کیلومتر مربع وسعت دارد و در سال ۱۳۸۵ جمعیت آن ۲۰۴۳۰۸ نفر بوده است. با آغاز بحران در مناطق کردنشین استان آذربایجان غربی گروه های شورشی بارها به مراکز سپاه، ژاندارمری و ادارات دولتی حمله کردند و کنترل شهر را به دست گرفتند تا این که بوکان در ۱۳۵۷/۶/۱۰ به کمک یگان های ارتش، سپاه و ژاندارمری و با همکاری نیروهای مردمی که از محور سقز آمده بودند از کنترل شورشیان خارج شد با آغاز مذاکرات هیئت حسن نیت، طرفداران گروه ها بار دیگر به بوکان بازگشتند و به شرارت ادامه دادند. بعد از به نتیجه نرسیدن مذاکرات عملیاتی از سه محور برای آزادسازی بوکان آغاز شد. در این عملیات شهر در ۱۱ مهر ۱۳۶۰ از تسلط شورشیان خارج شد و عملیات آزادسازی جاده ها و مناطق بینابینی در سال های بعد ادامه یافت. بوکان در سال ۱۳۶۷ سه بار به وسیله هواپیماهای عراقی بمباران شد که در این حملات ۱۵ نفر از مردم این شهر شهید و ۱۶۰ نفر مجروح شدند.

میاندوآب

شهرستان میاندوآب ۲۲۳۳ کیلومتر مربع وسعت دارد و در سال ۱۳۸۵ جمعیت آن ۲۴۷۳۰۷ نفر بوده است. این شهر به دلیل واقع شدن در بین دو رودخانه زربینه رود و سیمینه رود میاندوآب نامیده می شود. بیشتر مردم میاندوآب آذری زبانند و کردها در روستاهای جنوب و غرب این شهرستان سکونت دارند. گروه های شورشی در ۱۳۵۷/۵/۲۹ با توپ و خمپاره به مقر گروه ۱۴ توپخانه مراغه در نزدیکی میاندوآب حمله کردند و در ۲۶ آذر ۱۳۵۹ با اجرای کمینی در مسیر ستونی مرکب از نیروهای ارتش، سپاه و بسیج ۲۴ رزمنده را شهید و ۱۹ نفر را مجروح کرده اند در این درگیری حدود ۱۰۰ نفر از شورشیان به هلاکت رسیدند. در دوران جنگ تحمیلی هواپیماها و موشک های عراق ۹ بار میاندوآب را هدف قرار دادند که بر اثر آن ۸۷ نفر از اهالی این شهر شهید و ۱۷۵ نفر مجروح شدند.

شاهین دژ

شهرستان شاهین دژ ۲۱۴۴ کیلومتر مربع وسعت دارد و در سال ۱۳۸۵ جمعیت آن ۱۸۲،۹۰ نفر بود، در این شهر آذری زبانان و کردها در کنار یکدیگر زندگی می کنند. گروه های بحران زا علاوه بر ایجاد ناامنی در روستاها، به طور مداوم در جاده های اطراف شاهین دژ که اغلب شنی یا خاکی بودند، مین گذاری می کردند یا با حمله به شهر و ایجاد ناامنی، آرامش ساکنان این شهر را برهم می زدند، شورشیان در یکی از مهم ترین حوادث در ۱۳۵۹/۶/۱۷ در مسیر حرکت فتحعلی راثی بخش دار و حسین قمی

فرمانده وقت سپاه شاهین دژ کمین کرده، آنان را دستگیر کردند و بعد از دو روز به شهادت رساندند. در دوران جنگ ایران و عراق، هواپیماهای عراق ۳ شاهین دژ را بمباران کردند که بر اثر آن ۱۵ نفر از اهالی این شهر شهید و تعدادی نیز مجروح شدند.

تکاب

شهرستان تکاب ۲۵۲۳ کیلومتر مربع وسعت دارد و در سال ۱۳۸۵ جمعیت آن ۲۷۴،۸۲ نفر بوده است، ترکیب جمعیتی تکاب را آذری زبانان و کرد زبانان تشکیل داده اند. شورشیان در ۱ مرداد ۱۳۵۹ به روستای عزیز حمله کردند و با آواره کردن ۱۶۰ خانوار ساکن این روستا، منازل آنان را به آتش کشیدند.

آزادسازی راه های ارتباطی

مرحله دوم آزادسازی مناطق کردنشین از تسلط گروه های تجزیه طلب، آزادسازی راه های ارتباطی بود البته این بدان معنا نبود یگانهای مستقر در ابتدا همه شهر ها را از کنترل شورشیان خارج و سپس محور های مواصلاتی را آزاد کنند، بلکه بعد از آن که واحدهای سپاه، ارتش و ژاندارمری شهر را از کنترل گروه های تجزیه طلب خارج می کردند، پس از برقراری و تحکیم امنیت در آن شهر و به محض فراهم شدن مقدمات اجرای عملیات آزادسازی جاده های ارتباطی را آغاز می کردند.

بر اساس این راهبرد همهی جاده های اصلی بین شهری مناطق کردنشین در یک دوره زمانی سه ساله از کنترل گروه های شورشی خارج شد. با آزادسازی جاده ها از تسلط گروه های ضد انقلاب شورشیان مخفیانه به منار جاده ها می آمدند و در مسیر عبور خود روها کمین می گذاشتند.

بنابر این، مدت ها پس از آزادسازی جاده، پایگاه هایی در کنار آن ایجاد می شد و افرادی برای تأمین جاده در بین پایگاه ها مستقر می شدند تا شورشیان نتوانند به اقدامات شرارت آمیز دست بزنند، در این دوره عبور و مرور جاده ها فقط در طول روز امکان پذیر بود و شب هارفت و آمدی انجام نمیشد، اما بعد از بهبود وضعیت امنیت شهر ها و جاده ها، امنیت لازم برای عبور و مرور به طور شبانه روزی نیز برقرار شد.

جاده ارومیه-مهاباد

با آزادسازی شهر مهاباد در ۱۳۵۹/۶/۲۶، جاده ارومیه - مهاباد در حد فاصل سه راهی محمدیار تا مهاباد از تسلط گروه های تجزیه طلب خارج و در طول مسیر پایگاه های متعددی برای برقراری امنیت ایجاد شد، با وجود برقراری امنیت در طول جاده شورشیان همواره در این مسیر کمین میگذاشتند یا در روستاهای اطراف و بانیروهای نظامی و انتظامی درگیر می شدند.

برای نمونه، شورشیان در ۹ مهر ۱۳۵۹ به ستور ارتش در این جاده حمله و ۹ نفر را مجروح کردند همچنین در عملیاتی برای بیرون کردن شورشیان از روستای دارلک واقع در شرق جاده ارومیه - مهاباد در ۲۴ فروردین ۱۳۶۰ انجام شد، نیروهای رزمنده در کمین دشمن افتادند و ۱۸ نفر از آنان از جمله مهدی امینی شهید و ۵۶ نفر مجروح شدند.

در حداثه دیگری نیروهای سپاه و بسیج ارومیه و نقده در ۱۸ خرداد ۱۳۶۰ به کمین گروه های شورشی افتادند که در این درگیری ۲ بالگرد هوانیروز سقوط کرد و ۳۵ نفر از نیروهای سپاه، هوانیروز و بسیج به شهادت رسیدند در همین محور در جاده ای فرعی واقع در جنوب سه راهی نقده خودرو حامل محمد بروجرودی فرمانده تیپ ویژه شهداء در ۱ خرداد ۱۳۶۲ روی مین روفت و وی به شهادت رسید.

جاده پیرانشهر - مه‌آباد - سردشت

طول جاده پیرانشهر - مه‌آباد - سردشت ۹۵ کیلو متر است که نیمی از آن از جنگل و دره‌ی رودخانه کلاس می‌گذرد، گروه‌های تجزیه طلب دمکرات، کومه له، چریک‌های فدایی خلق (اقلیت) و سازمان مجاهدین (منافقین) با توجه به اهمیت این جاده که به موازات مرز بین ایران و عراق قرار دارد، اصلی‌ترین مقرهای خود را در روستاهای اطراف این جاده مستقر کرده بودند و در وضعیتی که ایران در حال جنگ با کشور عراق بود، سران این گروه‌ها تصمیم گرفته بودند با کمک ۴۰۰ نفر از نیروهای اتحادیه‌ی میهنی کردستان عراق، مانع از تسلط نیروهای مسلح ج.ا.ا. بر این جاده شوند.

در چنین وضعیتی، یگان‌های سپاه، ارتش و پیشمرگان مسلمان کرد با پشتیبانی نیروهای حزب دمکرات عراق موفق شدند در چند مرحله عملیات از دو سمت این جاده (پیرانشهر و سردشت) انجام شد، گروه‌های شورشی راسرکوب و عبور و مرور در این جاده‌ی غیر آسفالت‌ه را که بسیار باریک و صعب‌العبور بود برقرار کنند. عملیات از محور پیرانشهر در ۵ مرحله انجام شد، در این عملیات که از اول خرداد تا آخر مهر سال ۱۳۶۱ طول کشید، ۳۸ نفر از نیروهای خودی شهید، ۸۷ نفر مجروح و ۱۴ نفر مفقود یا اسیر شدند و ۴ نفر از نیروهای خودی که قبلاً به اسارت نیروهای ضدانقلاب درآمده بودند، آزاد شدند از گروه از گروه‌های شورشی نیز ۲۱۰ نفر کشته و حدود ۳۵۰ نفر مجروح شدند.

عملیات از محور سردشت نیز در ۳ مرحله انجام شد که از ۲۴ شهریور ۱۳۶۱ تا ۲۵ مهر ۱۳۶۱ ادامه داشت در این محور ۷۰ نفر از شورشیان کشته و ۱۲۰ نفر زخمی شدند، آزادسازی این جاده آنقدر اهمیت داشت که ناصر کاظمی و محمد علی گنجی زاده ۲ تن از فرماندهان عالی رتبه قرارگاه حمزه السید الشهداء و محمد امین احمدی که نقش تعیین کننده‌ای در موفقیت این عملیات داشتند نتوانست مانع از تداوم آن شود و یگانها تا آزادسازی جاده به عملیات ادامه دادند و امام خمینی نیز در پایان عملیات پیام تبریکی برای رزمندگان اسلام ارسال کردند.

جاده پیرانشهر - هنگ آباد - سردشت

جاده‌ی پیرانشهر - هنگ آباد - سردشت که در گذشته جاده‌ی اصلی بین دو شهر پیرانشهر و سردشت بود، حدود ۱۱۰ کیلومتر طول دارد و بعد از روستای هنگ آباد وارد منطقه‌ی جنگلی می‌شود عملیات آزادسازی این جاده‌ی غیر آسفالت‌ه هم زمان با آزادسازی جاده‌ی پیرانشهر - میرآباد - سردشت در چند مرحله انجام شد. مرحله‌ی اول عملیات در ۱۷ شهریور ۱۳۶۱، از سمت پیرانشهر آغاز شد و علاوه بر ارتفاعات ساکان و بردزرد (۱۹۹۱ متر)، روستاهای گرده گوران، لاوین، ریگ آباد و کانی سبب به تصرف رزمندگان اسلام در آمد. مرحله‌ی دوم عملیات در ۲۳ شهریور ۱۳۶۱ انجام شد و در طول آن کوه گردشینه شورشیان خارج شد. در مرحله‌ی سوم که در ۲ مهر ۱۳۶۱ آغاز شد، ارتفاعات سرتیز، برده زرد (۲۲۴۴) و حاجی متک و همچنین ۱۵ روستای منطقه از جمله سختان، باستان بیگ و شالی آباد به تصرف یگان‌های عملیاتی در آمد. از محور سردشت نیز عملیات در سه مرحله اجرا شد. در مرحله‌ی اول که از ۲۲ مهر ۱۳۶۱ آغاز شد، جاده در حد فاصل روستاهای عثمان آباد تا ولیو به کنترل یگان‌های خودی در آمد. مرحله‌ی دوم عملیات در آبان ۱۳۶۱ انجام و در طول آن روستاهای ولیو تا شیوه جو از تسلط گروه‌های شورشی خارج شد.

در مرحله ی سوم عملیات- که در همین ماه اجرا شد- رزمندگان اسلام بعد از پاک‌سازی روستاهای سلمان، شیواوشان، اسپه دره، گرو، نیواش، آلاوان و دشت قوره، نقاط پاک‌سازی نشده ی این جاده را تصرف و ارتباط شهرهای پیرانشهر و سردشت را از طریق هنگ آباد نیز برقرار کردند.

در این عملیات ۳۰ نفر از نیروهای خودی شهید و ۵۵ نفر مجروح و از نیروهای تجزیه طلب نیز ۷۰ نفر کشته و حدود ۱۴۰ نفر زخمی شدند. در پایان عملیات، در میان کشته شدگان گروه‌های شورشی، ۳ کرد عراقی شناسایی شدند.

جاده مهاباد- سردشت

طول جاده ی مهاباد- سردشت ۱۲۵ کیلومتر است. این جاده بعد از عبور از کنار دریاچه ی سد مهاباد از تنگه های متعددی می گذرد تا به گردنه ی زمزیران می رسد و سپس با عبور از یک منطقه ی جنگلی به شهرک ربط و سردشت منتهی شود.

سران گروه های شورشی، به دلیل اهمیت جاده مصمم بودند کنترل آن را از دست ندهند، اما یگان های عملیاتی قرارگاه حمزه سیدالشهدا در چند مرحله عملیات از دو محور مهاباد و سردشت، این جاده را از تسلط گروه های تجزیه طلب خارج کردند.

در عملیاتی که در ۶ دی ۱۳۶۰، از محور مهاباد آغاز شد، جاده در حد فاصل شهر مهاباد تا روستای حمزه آباد به کنترل رزمندگان اسلام در آمد. در این عملیات، ۷ نفر از شورشیان کشته و ۱۳ نفر دست گیر شدند. در ۳ فروردین ۱۳۶۱، با اجرای عملیاتی در حد فاصل روستای حمزه آباد تا بیطاس، این محدوده نیز از کنترل شورشیان خارج شد. یگان های عملیاتی مهاباد در ۴ خرداد ۱۳۶۱، جاده ی مهاباد- سردشت را تا کیلومتر ۲۵ تصرف کردند؛ ۵۰ نفر از شورشیان را به هلاکت رساندند و ۲ نفر را دست گیر کردند. در ۲۷ فروردین ۱۳۶۲، در عملیات دیگری، جاده در حد فاصل روستای دوسید تا روستای آمید به کنترل نیروهای خودی در آمد.

از محور سردشت، ابتدا یگان های مانوری، ۱۰ کیلومتر از جاده را در حد فاصل سردشت تا پل کله در ۲۴ فروردین ۱۳۶۱، از تسلط گروه های شورشی خارج کردند. سپس، در ۲۸ مهر ۱۳۶۱، روستاهای عثمان آباد، میکل آباد، مرانه، هند آباد، لیلانه و شالگه پاک سازی شدند و جاده در حد فاصل پل کله تا شهرک ربط به کنترل نیروهای خودی در آمد. در آبان ۱۳۶۱، نیروهای خودی جاده را در حد فاصل ربط تا روستای سار تکه از تسلط گروه های شورشی خارج کردند.

در مرحله ی پایانی، برای آزاد سازی گردنه ی زمزیران در ۲۷ فروردین ۱۳۶۲ از دو محور عملیات شد، نیروهای محور مهاباد از سه راهی آمید و نیروهای محور سردشت از منطقه ی ربط وارد عملیات شدند. یگان های سپاه (به خصوص تیپ شهدا)، ارتش و ژاندارمری با هم کاری عشایر کرد، در طول ۲۰ روز گروه های شورشی را سرکوب کردند. بدین ترتیب گردنه ی زمزیران آزاد و عبور و مرور بعد از ۴ سال در این جاده برقرار شد.

عملیات پاکسازی و آزاد سازی جاده سردشت بانه

طول این جاده ۶۳ کیلومتر با ارتفاعات بلند و پوشیده از گیاهان، درختان، شیارها و دره های عمیق می باشد. در زمان بحران شمال غرب به دلیل اهمیت آن، این محور توسط ضد انقلاب اشغال و در اوایل سال ۱۳۵۹ با استفاده از کمینگاه های مناسب در مسیر، توانستند ضرباتی را به ستون های ارتش که به منظور مستقر شدن در مرز سردشت

برای مقابله با تهدیدات عراق اعزام شده بودند وارد کنند.

در طول مدت بحران در منطقه شمالغرب، این جاده ۴ بار به ترتیب زیر توسط رزمندگان اسلام پاکسازی گردید:

۱- در مقطع نبرد اول به صورت ضربتی در شهریور سال ۱۳۵۸ توسط نیروهای شهید چمران و پاسداران پادگان ولیعصر تهران

۲- در تاریخ ۱۳۵۹/۶/۱۴ توسط برادران سپاه و ارتش به صورت ضربتی

۳- در تاریخ ۱۳۶۰/۳/۷ توسط برادران ارتش و سپاه به صورت ضربتی

۴- در تاریخ ۱۳۶۰/۹/۷ توسط برادران سپاه، ارتش، ژاندارمی و پیشمرگان مسلمان کرد به صورت تحکیمی در این عملیات رزمندگان اسلام پس از تصرف عوارض مهم با احداث پایگاه‌های پدافندی به مرحله بعدی عملیات پرداختند.

لذا در این قسمت به شرح مختصر آخرین عملیات می پردازیم.

الف- تاریخ شروع عملیات: ۱۳۶۰/۹/۷

ب- مدت زمان عملیات: ۵ ماه و ۱۸ روز که مدت ۷۸ روز عملیات آفندی بوده است.

ج- مراحل عملیات: ۱۲ مرحله

د- هدایت عملیات: قرارگاه شهید شهرامفر (قرارگاه مشترک سپاه، ارتش و ژاندارمری)

ه- یگان‌های عمل کننده: نیروهای سپاه، ارتش، ژاندارمری و پیشمرگان مسلمان کرد مستقر در منطقه

و- یگانهای دشمن: کلبه گروه‌های ضد انقلاب با پشتیبان متجاوزین بعثی و حمایت عده‌ای از نیروهای کرد عراقی

ز- نتیجه: رزمندگان اسلام با انجام مانور احاطه‌ای، این محور و مسیرهای جانبی آن را پاکسازی نمایند.

در این عملیات برادرانی چون شهرامفر از ارتش جمهوری اسلامی و مصطفی طیاره از سپاه پاسداران به فیض عظمای شهادت نایل آمدند.

جاده مهاباد-بوکان

فاصله ی مهاباد تا بوکان ۷۰ کیلومتر است. این جاده در زمان بروز بحران در مناطق کردنشین، خاکی بود و تردد چندانی در آن انجام نمی شد و مردم بیش تر از مسیر مهاباد به میاندوآب و بوکان رفت و آمد می کردند. گروه‌های تجزیه طلب هم از این فرصت استفاده کرده، چند مقر مهم در روستاهای این مسیر ایجاد کرده بودند. عملیات آزاد سازی جاده ی مهاباد-بوکان با نام شهید علی مصطفوی از فروردین ۱۳۶۲، در چند مرحله آغاز شد.

از محور بوکان، تیپ ویژه ی شهید؛ گردان‌های جندالله و نبی اکرم سپاه بوکان و یک گران از تیپ مهاباد ارتش در چهار مرحله محدودی تصرف شده را آزاد کردند. مرحله ی اول عملیات در نیمه شب ۴ فروردین ۱۳۶۲، آغاز شد و در طول آن روستاهای قره کند، سیف الدین و چاورچین از تسلط گروه‌های شورشی خارج شدند. مرحله ی دوم در ۹ فروردین ۱۳۶۲، انجام و مقر شورشیان در روستای تازه قلعه منهدم شد. در مرحله ی سوم که در ۱۳ فروردین ۱۳۶۲ اجرا شد مقر کومله در روستای خراسانه منهدم شد و نیروهای خودی، روستای آتش گلان، زادگاه عزالدین حسینی- را از تسلط شورشیان خارج و تا روستای کانی طومار پیشروی کردند. در مرحله ی چهارم، نیروهای عملیاتی در ۱۷ فروردین ۱۳۶۲، جاده را تا روستای برهان از کنترل گروه‌های شورشی خارج کردند.

از محور مهاباد، تیپ ۱۱۰ شهید بروجدی با گردان‌های جندالله و نبی اکرم سپاه مهاباد، در مرحله ی اول، ارتفاعات بیهاز و مرقاوارا تصرف و شورشیان را در روستاهای تکان لوجه، برده‌میش و شکم دریده منهدم کردند. ادامه ی

عملیات به دلیل بروز سرما مدتی به تأخیر افتاد، اما پس از چند روز در مرحله‌ی دوم عملیات، روستاهای حد فاصل قره بلاغ تا برهان به کنترل رزمندگان اسلام درآمد و پس از چهار سال، عبور و مرور در این محور برقرار شد. در مراحل گوناگون این عملیات، ۸ نفر از نیروهای خودی شهید و ۱۹ نفر مجروح و از شورشیان نیز ۲۸ نفر کشته و ۲۷ نفر زخمی شدند.

آزادسازی مناطق بینابینی

سومین مرحله از راهبرد ترسیم شده برای آزادسازی کامل مناطق کردنشین از تسلط گروه‌های تجزیه طلب، آزادسازی روستاها و ارتفاعات بین جاده‌ها بود. از آن جا که نیروهای ضد انقلاب پس از برقراری امنیت در شهرها و تأمین جاده‌ها، به روستاها و ارتفاعات اطراف گریختند - تا پس از کاهش نیروهای خودی دوباره به شهرها بازگردند - تصمیم گرفته شد مرحله سوم از راهبرد آزادسازی، به پاک‌سازی مناطق بینابینی اختصاص یابد تا امنیت در مناطق آزاد شده تثبیت شود و نیروهای ضد انقلاب نتوانند در این مناطق به فعالیت شان ادامه دهند. از مهم ترین اقدامات واحدهای خودی در این مرحله، اجرای عملیات های متعدد در مناطق بینابینی بود که به آزادسازی روستاها و ارتفاعات بسیاری انجامید و نیروهای خودی با استقرار در پایگاه‌ها و پاسگاه‌های عملیاتی، برقراری و تداوم امنیت را در این مناطق تضمین کردند.

عملیات شهیدفتحی

نیروهای ضد انقلاب مستقر در بوکان بعد از آزادسازی این شهر به منطقه‌ی ترجان در شهرستان سقز رفته بودند و با نفوذ شبانه به شهر بوکان و اجرای کمین و مین گذاری در جاده‌ها، جنوب غربی بوکان را ناامن می کردند. به همین دلیل، سپاه بوکان چند عملیات در منطقه‌ی ترجان انجام داد تا شورشیان را سرکوب و امنیت را به منطقه‌ی جنوب غربی بوکان بازگرداند.

یکی از مهم ترین عملیات های انجام شده در این منطقه عملیات شهید فتحی نام داشت که گردان های عملیاتی سپاه بوکان و ارتش به هم راه پیشمرگان مسلمان کرد.

در این عملیات ۱۵ نفر از نیروهای خودی شهید؛ ۳۰ نفر مجروح و ۱۰ نفر اسیر شدند. همچنین، ۴۰ نفر از شورشیان به هلاکت رسیدند؛ ۳۰ نفر زخمی و ۶ نفر دست گیر شدند.

منطقه مکریان شمالی

بعد از آزادسازی شهر مهاباد، تعدادی از نیروهای دمکرات و کومه‌له با حضور در منطقه‌ی مکریان شمالی که مابین مهاباد و میاندوآب واقع شده است، که گاه به شهرهای مهاباد و میاندوآب حمله می کردند یا در جاده‌ی ارتباطی بین این دو شهر به اجرای کمین می پرداختند و امنیت عبور و مرور را در جاد از بین می بردند.

یگان‌های سپاه مهاباد و میاندوآب چند بار در منطقه‌ی مکریان شمالی عملیات انجام دادند، اما شورشیان با جابه جایی یا مخفی شدن در کوه تلخاب، دوباره به روستاهای این منطقه باز می گشتند.

در این عملیات، ۳ نفر از رزمندگان اسلام شهید و ۱۰ نفر از نیروهای تجزیه طلب کشته شدند. پس از این عملیات، چند پایگاه در منطقه‌ی مکریان شمالی ایجاد شد تا علاوه بر ممانعت از بازگشت گروه‌های ضد انقلاب به روستاهای منطقه، امنیت مطلوب تری برای رفت و آمد خودروها در جاده‌ی مهاباد به میاندوآب برقرار شود.

عملیات شهید بهشتی

منطقه‌ی محال آحتاجی بین شهرهای میان‌دو آب، مهاباد و بوکان قرار داد و جاده‌های ارتباطی بین این سه شهر از اطراف آن عبور می‌کند. نیروهای ضد انقلاب پس از گریختن از شهرهای میان‌دو آب، مهاباد و بوکان، این منطقه را برای استقرارشان انتخاب کرده و روستاهای اطراف را ناامن کرده بودند.

در ۷ تیر ۱۳۶۱، فرماندهان پایگاه‌های سپاه مهاباد و میان‌دو آب تصمیم گرفتند برای برقراری امنیت در این منطقه، عملیاتی را در این محور اجرا کنند. این عملیات به دلیل مصادف شدن با اولین سالگرد انفجار دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی ایران، شهید بهشتی نام گذاری شد. ۲۵ نفر از شورشیان کشته و ۲۵ نفر زخمی شدند. از نیروهای خودی نیز ۱۵ نفر شهید و مفقود الاثر و ۸ نفر مجروح شدند.

عملیات شهید صدوقی

تأسیسات سد زرینه رود در منطقه‌ی فیض الله بیگی در جنوب شرقی بوکان واقع شده است. این تأسیسات از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی در کنترل گروه‌های ضد انقلاب بود و آنان در این مدت ضمن غارت اموال حمل شدنی، صدمات بسیاری به تأسیسات سد وارد کرده بودند.

در ساعت ۹ صبح سه شنبه ۲۲ تیر ۱۳۶۱، یک گردان از تیپ ویژه‌ی شهدا، گردان جندالله سقر، گردان جندالله بوکان و یک گردان از ژاندارمری، عملیات شهید صدوقی را برای سرکوب گروه‌های تجزیه طلب و برقراری امنیت در این منطقه آغاز کردند.

در این عملیات که ۱۵ روز طول کشید، جاده‌ی ۳۵ کیلومتری بوکان به سد زرینه رود به کنترل رزمندگان اسلام درآمد. همچنین باقی مانده‌ی تأسیسات سد نیز در اختیار پیمانکار مربوط قرار گرفت تا در خصوص تکمیل آن برای بهره‌برداری مردم منطقه به ویژه کشاورزان اقدام کند. در عملیات شهید صدوقی تعدادی از شورشیان کشته یا زخمی شدند و ۸۰ نفر از آنان و هواداران محلی شان نیز دست گیر شدند. از نیروهای خودی نیز ۵ نفر مجروح شدند.

عملیات ثارالله

منطقه‌ی صفاخانه در فاصله‌ی دوری از شهرهای بوکان، شاهین دژ و تکاب قرار دارد. وجود ارتفاعات متعدد و دریاچه‌ی پشت سد زرینه رود در این منطقه موقعیت مناسبی را برای نیروهای ضد انقلاب فراهم کرده بود و آنان با پناه بردن به این منطقه خود را در امنیت کامل تصور می‌کردند و گاه‌گاه برای شرارت در شهرها و جاده‌های اطراف، از این منطقه خارج می‌شدند و سپس به مقرهای خود باز می‌گشتند.

در چنین وضعیتی، فرماندهان سپاه در شهرهای بوکان، شاهین دژ و تکاب تصمیم گرفتند با به کارگیری گردان‌های عملیاتی شان، برای برقراری امنیت در منطقه‌ی صفاخانه، حرکتی انجام دهند. به همین منظور، عملیات ثارالله در ۱ شهریور ۱۳۶۱، در چهار مرحله اجرا شد.

در این عملیات که به مدت ۱۸ روز ادامه داشت، ۱۸ نفر از شورشیان کشته و ۵ نفر از آنان زخمی و ۲۹ نفر نیز دست گیر شدند و امنیت نسبی برای فعالیت‌های کشاورزی و دامپروری روستاییان و خدمات رسانی به آنان در منطقه برقرار شد.

شهرک ربط

شهرک ربط در ۱۵ کیلومتری سردشت و در کنار جاده‌ی سردشت به مهاباد واقع شده است. در این شهرک نوساز که خالی از سکنه بود، تعداد زیادی از نیروهای ضد انقلاب وابسته به دمکرات، کومه له و چریک‌های فدایی خلق (اقلیت) مستقر بودند و علاوه بر ناامن کردن جاده‌ی سردشت به مهاباد، به پایگاه‌های نظامی و انتظامی در اطراف سردشت حمله می‌کردند.

بادستور قرارگاه حمزه سیدالشهدا، قرارگاه حر که در شهر سردشت مستقر بود مأموریت یافت با بکارگیری ۴ گردان جندالله از سپاه پاسداران شهرهای سردشت، پیرانشهر، بانه و مهاباد و ۲ گردان پیاده از ارتش و پشتیبانی بال‌گردهای هوانیروز، شهرک ربط را از اشغال گروه‌های تجزیه طلب آزاد کند.

عملیات آزادسازی شهرک ربط در ۲۵ مهر ۱۳۶۱ اجرا شد و یگان‌های عملیاتی موفق شدند در کم‌تر از ۲۴ ساعت شهرک را آزاد کنند.

منطقه منگور

منگور منطقه‌ی بوکوهستانی در جنوب غربی مهاباد است که در آن عشایر منگور سکونت دارند. افراد این عشیره از جمله مردم وفادار به جمهوری اسلامی هستند که به دلیل حمایت از نظام، تحت فشار گروه‌های تجزیه طلب قرار گرفتند و مجبور شدند این منطقه را ترک و به شهر مهاباد مهاجرت کنند.

بسیاری از مهاجران منگوری به دلیل اساس قربات به جمهوری اسلامی، با عضویت سپاه و بسیج در آمدند و به مقابله با گروه‌های شورشی پرداختند.

با هماهنگی‌های انجام شده از سوی قرارگاه حمزه، در ۳ مرداد ۱۳۶۲، عملیاتی با شرکت تیپ قدس؛ تیپ ۱۱ شهید بروجردی؛ گردان جندالله سقز، گردان جندالله بانه و ۲ گردان از لشکر ۲۳ ارتش، در منطقه‌ی منگور اجرا و در طول آن ۳۰ روستای منطقه از کنترل شورشیان خارج شد و ۴۵ نفر از نیروهای تجزیه طلب کشته شدند. در این عملیات، ۸۰ نفر از نیروهای سپاه، ارتش، ژاندارمری، بسیج و بومی‌هایی که به اسارت گروه‌های تجزیه طلب درآمده بودند، آزاد شدند و ۱۵ خودرو؛ ۵ توپ ۱۰۵ م.م؛ یک تفنگ ۱۰۶ م.م و ۷ تیربار و خمپاره انداز به غنیمت رزمندگان اسلام درآمد. همچنین انبار بزرگی حاوی هزاران دست لباس و کفش که حکومت بعثی عراق به گروه‌های شورشی اهدا کرده بود، کشف شد و مورد بهره‌برداری نیروهای خودی قرار گرفت.

عملیات شهید حسینی

منطقه‌ی سلامت بین شهرهای بوکان، سردشت و بانه قرار گرفته و کوه‌های مرتفعی همچون کاپری با ۲۴۱۷؛ خلو با ۲۱۶۶؛ قلاقوزلو با ۲۰۴۶؛ قره قا با ۲۱۹۸؛ هواره برزن با ۲۲۴۰ و دو سره با ۲۱۵۶ متر آن را از مناطق هم‌جوار جدا کرده است.

بسیاری از افراد گروه‌های دمکرات، کومه له، چریک‌های فدایی خلق (اقلیت)، مجاهدین خلق (منافقین) و برخی نیروهای اتحادیه‌ی میهنی، بعد از آزادسازی شهرهای بوکان، سردشت، بانه و سقز، در روستاهای این منطقه تجمع کرده بودند و با نفوذ به مناطق هم‌جوار، در شهرها، روستاها و جاده‌های ارتباطی ناامنی ایجاد می‌کردند. در چنین وضعیتی، فرمانده قرارگاه حمزه تصمیم گرفت برای سرکوب گروه‌های شورشی و برقراری امنیت در منطقه‌ی سلامت، عملیاتی را تدارک ببیند. به همین منظور، عملیات شهید حسینی در ۱۳ شهریور ۱۳۶۲، در ساعت ۲۴، از ۴

محور آغاز شد:

-محور اول، از بوکان به طرف گلولان پایین و بالا و سپس روستای سلامت.

-محور دوم، از بوکتان سقر به طرف روستای سلامت.

-محور سوم، از نمشیر بانه به طرف کوه های هوازه بر زن و دو سره و روستای سلامت.

-محور چهارم، از روستای کاولان واقع در جاده ی مهاباد به سردشت به طرف روستای سلامت.

در این عملیات که ۵ روز ادامه داشت، ۲۲ روستای منطقه از تسلط گروه های تجزیه طلب خارج شد و ۱۲ نفر از نیروهای خودی که چند سال در اسارت افراد ضد انقلاب بودند، آزاد شدند. همچنین، حدود ۱۰۰ خودرو سبک و سنگین؛ ۵ توپ ۱۰۵م.م؛ ۷ تفنگ ۱۰۶م.م؛ ۱۰ توپ ۵۷م.م (خود کششی پدافند هوایی) و ۳ زاغهی مهمات گروه های ضد انقلاب به دست رزمندگان اسلام افتاد.

عملیات شهید احمد صفرزاده

منطقه ی جنگلی ملکاری بین جاده ی سردشت به مهاباد و رودخانه ی کلاس قرار دارد و جاده ی سردشت به هنگ آباد از میان آن عبور می کند. پس از آزاد سازی جاده ی سردشت به هنگ آباد، ۳۵۰ نفر از نیروهای ضد انقلاب به روستاهای جانداران، نلوسه، میرگه بیرگه، دولتو ۲، شیره جو و نوآباد باز شدند و ضمن حمله به پایگاه های رزمندگان اسلام، در این جاد نیز کمین می گذاشتند. برای مقابله با این وضعیت، در ۱۴ فروردین ۱۳۶۳، در حالی که ارتفاعات منطقه پوشید از برف بود، تیپ ویژه ی شهدا به هم راه گردان حضرت رسول سردشت، عملیات شهید احمد صفرزاده را به منظور انهدام پایگاه ها و نیروهای ضد انقلاب طرح ریزی کردند. این عملیات از سه محور آغاز شد:

-محور اول، از روستای کاکوژان به طرف روستاهای شیوه جو و دولتو ۲.

-محور دوم، از کوه ابراهیم جلال به طرف روستاهای دولتو ۲، شیوه جو و نوآباد.

-محور سوم، از روستاهای ولیو به طرف روستای نلوسه.

در این عملیات، ۲۸ نفر از رزمندگان سپاه و بسیج به شهادت رسیدند و ۴ نفر مجروح شدند. از نیروهای ضد انقلاب نیز ۵۰ نفر به هلاکت رسیدند و پایگاه های شان منهدم شد. بعد از عملیات، نیروهای خودی چند پایگاه در روستاهای مهم ایجاد و امنیت رادر منطقه ی ملکاری برقرار کردند.

عملیات فتح

منطقه ی وسیع لاجان و منگور بین شهرهای مهاباد، نقده و پیرانشهر واقع شده است و کوه های بلندی همچون کندی شیخان ۲۸۰۳؛ روته با ۲۱۱۲؛ اسپس سنگ با ۲۴۰۹؛ میدان استر با ۲۸۲۵؛ برده زرد با ۲۲۴۴ و هوار صوفی با ۲۴۴۳ متر ارتفاع، این منطقه را فرا گرفته اند.

بعد از برقراری امنیت در شهرهای مهاباد، نقده و پیرانشهر، حدود ۵۰۰ نفر از نیروهای حزب دمکرات؛ ۲۵۰ نفر از نیروهای کومه له؛ ۵۰ نفر از نیروهای سازمان مجاهدین خلق (منافقین) و تعدادی از افراد چریک های فدایی خلق (اقلیت)، چندین مقر در روستاهای منطقه ایجاد کرده بودند و علاوه بر ایجاد ناامنی در روستاهای منطقه، در جاده های مواصلاتی نیز کمین می گذاشتند و گاه به این شهرها حمله می کردند.

در چنین وضعیتی، قرارگاه حمزه سیدالشهدا تصمیم گرفت برای افزایش امنیت شهرهای مهاباد، نقده و پیرانشهر و نیز جاده های ارتباطی آن، عملیات فتح رادر ۲۵ مرداد در ۱۳۶۳، با بکارگیری یگان هایی از سپاه، ارتش، ژاندارمری و

عشایر منطقه از طریق شش قرارگاه فرعی اجرا کند:

- قرارگاه حمزه ۱، با به کارگیری تیپ ویژه ی شهدا و گردان جندالله ارومیه از محور لکین (واقع در غرب مهاباد) به طرف جنوب منطقه.

- قرارگاه حمزه ۲، با به کارگیری تیپ ۱۱۰ شهید بروجردی، تیپ ۳ لشکر ۲۳ نوه؛ عشایر منگور؛ گردان جندالله مهاباد و گردان جندالله نقده از محور سلوک (واقع در جنوب مهاباد) به طرف شمال غربی منطقه.

- قرارگاه حمزه ۳، با به کارگیری تیپ قدس؛ تیپ ۱ لشکر ۲۳ نوه؛ گردان جندالله سنندج و گردان جندالله کامیاران از محور آفان (جنوب مهاباد) به طرف غرب منطقه.

- قرارگاه حمزه ۴، با به کارگیری تیپ ۲ لشکر ۲۳ نوه؛ گردان‌های جندالله بوکان، پیرانشهر و سردشت از هنگ آباد (جنوب شرقی پیرانشهر) به طرف شرق منطقه.

- قرارگاه حمزه ۵، با به کارگیری گردان جندالله تکاب و گردان جندالله اشنویه به منظور کنترل معابر نفوذی جاده‌ی مهاباد به پسوه و پیرانشهر.

- قرارگاه حمزه ۶، با به کارگیری گردان صاحب الزمان ژاندارمری و گردان جندالله میان‌دو آب به منظور کنترل معابر نفوذی جاده‌ی مهاباد به سردشت.

همچنین گردان‌های جندالله، سلماس، خوی و شاهین دژ در احتیاط قرارگاه حمزه قرار داشتند. در این عملیات که یک هفته ادامه داشت، ۴۳ روستای منطقه از تسلط گروه‌های شورشی خارج و حدود ۱۰۰ نفر از شورشیان کشته و نزدیک به ۲۰۰ نفر از آنان زخمی شدند. در این عملیات، ۳۶ نفر از مردم و رزمندگانی که در اسارت گروه‌های تجزیه طلب بودند، آزاد شدند.

تأمین مرزهای استان

چهارمین مرحله از راهبرد ترسیم شده برای جنگ ضد شورش گری در مناطق کردنشین ایران، آزادسازی مرزهای استان بود. گروه‌های ضد انقلاب با توجه به هم‌کاری وسیعی که با دو حکومت عراق و ترکیه داشتند به آسانی به آن سوی مرزها تردد و سلاح و تجهیزات مورد نیازشان را وارد کشور می‌کردند. شورشیان مجروحان شان را نیز به آن سوی مرز منتقل و ابتدا در درمانگاهی در نزدیکی مرز و سپس در بیمارستان‌های عراق مداوا می‌کردند.

پس از مدتی که شهرها، راه‌های ارتباطی و برخی مناطق بینابینی آزاد شد، دفاتر سیاسی گروه‌های شورشی، مراکز آموزش و زندان‌های آن‌ها به عراق منتقل شد و حتی بیش تر شورشیان در اواخر پاییز هر سال به عراق می‌رفتند و هماهنگ با استخبارات (سازمان اطلاعات) ارتش بعث در روستاهای عراق مستقر می‌شدند و سپس در اوایل بهار با مناسب شدن هوا، شبانه به ایران بازمی‌گشتند.

بنابراین، اجرای عملیات برای کنترل و تأمین مرزهای استان آذربایجان غربی و جلوگیری از تردد شورشیان و ارسال کمک‌های ارتش عراق به گروه‌های شورشی، ضرورت داشت. اجرای این عملیات‌ها از اوایل سال ۱۳۶۲ آغاز شد و تا اواخر سال ۱۳۶۳ که بیش تر مناطق مرزی استان به کنترل سپاه و ارتش درآمد ادامه یافت. در این بین، اجرای برخی عملیات‌های منظم علیه ارتش عراق در مرزهای استان، به کنترل مرزها و جلوگیری از رفت و آمد شورشیان بسیار کمک کرد.

عملیات رمضان

از ارتفاعات مرزی جنوب سرو، رودخانه‌ی نالزچای سرچشمه می‌گیرد که در ابتدای آن دریاچه‌ی زیبای مارمیشو واقع شده است و تعدادی روستا در اطراف آن قرار دارد. حدود ۲۲۵ نفر از افراد گروه‌های شورشی دمکرات، کومه له و سازمان مجاهدین خلق (منافقین) در برخی روستاهای این منطقه پایگاه داشتند و با استقرار نیروهای بسیار، نوار مرزی ایران و ترکیه را ناامن می‌کردند.

در ۲۱ اردیبهشت ۱۳۶۲، به منظور سرکوب گروه‌های شورشی و برقراری امنیت در این منطقه، تیپ ۱۱۰ شهید بروجردی و گردان‌های جندالله سلماس، ارومیه، شاهین دژ و تکاب مأموریت یافتند با پشتیبانی آتش هوانیروز، عملیات رمضان را در این منطقه کوهستانی و دور افتاده آغاز کنند. و ۱۲ نفر از شورشیان به هلاکت رسیدند و بقیه به خاک ترکیه گریختند. پس از این عملیات، نیروهای خودی چند پایگاه در این روستاها ایجاد کردند. نیروهای ضد انقلاب فراری به دلیل آن که نمی‌توانستند دوباره به روستاهای منطقه بازگردند، مجبور به تسلیم شدند و ۴۸۱ نفر از آنان، از جمله ۵ فرمانده و کادر سیاسی محلی، خود را به جمهوری اسلامی ایران معرفی و امان نامه دریافت کردند.

عملیات لیلہ القدر

پس از برقراری امنیت در روستاهای منطقه‌ی محال انزل، مرگور و ترگور، حدود ۷۰۰ نفر از شورشیان دمکرات، کومه له، چریک‌های فدایی خلق (اقلیت)، سازمان مجاهدین خلق (منافقین) و اشرار وابسته به صنار مامدی و طاهر خان سیمیتقو، در روستاها و ارتفاعات نوار مرزی شمال و جنوب سرو مستقر شدند و با اعزام گروه‌هایی، جاده‌ها و روستاهای اطراف ارومیه را ناامن می‌کردند.

با تصمیم قرارگاه حمزه سیدالشهدا، قرارگاه مقدم عملیاتی به فرماندهی غلامرضا جلالی در روستای هورسین مستقر شد و با ایجاد ۴ قرارگاه فرعی، عملیات لیلہ القدر را در ۳۰ خرداد ۱۳۶۳ مصادف با ۲۱ رمضان، برای پاک‌سازی منطقه و برقراری امنیت بدین ترتیب آغاز کرد:

قرارگاه اول به فرماندهی اسماعیل احمدی، مقدم

قرارگاه دوم به فرماندهی ناصر صفرزاده

قرارگاه سوم به فرماندهی محمود کاوه

قرارگاه چهارم نیز به فرماندهی جواد شمسی

در این عملیات، بسیاری از شورشیان از حضور یگان‌های سپاه، ژاندارمری و عشایر محل در منطقه مطلع شدند و به خاک ترکیه گریختند، با وجود این، ۳۲ نفر از آنان کشته؛ ۴۱ نفر زخمی و ۱۰ نفر اسیر شدند. بعد از عملیات نیز حدود ۴۰۰ نفر از شورشیان، نیز حدود ۴۰۰ نفر از شورشیان، خود را تسلیم رزمندگان سپاه اسلام کردند تا امان نامه دریافت کنند. در این عملیات حسن طاهر نژاد مسئول اطلاعات عملیات قرارگاه حمزه و ۱۵ نفر دیگر از نیروهای خودی به شهادت رسیدند و ۲۰ نفر نیز مجروح شدند.

عملیات نصر

منطقه‌ی آلوواتان در شمال غربی سردشت و در مجاور مرز ایران با عراق قرار دارد. اطراف روستاهای این منطقه پوشیده از درختان جنگلی است. گروه‌های تجزیه طلب در برخی روستاهای این منطقه پایگاه داشتند و افراد آنان با

استفاده از دره های بین ارتفاعات به عراق تردد می کردند و به تدارک نیروهای شان می پرداختند. با هماهنگی قرارگاه حمزه سیدالشهدا در ساعت ۲۴ روز ۲۷ تیر ۱۳۶۳، عملیات نصر برای آزاد سازی روستاهای منطقه ی آلو اتان و تأمین ارتفاعات مرزی از سه محور آغاز شد: محور اول به فرماندهی ناصر صفرزاده از سه راهی آلو اتان در جاده ی پیرانشهر - سردشت به طرف جنوب. محور دوم به فرماندهی محمود کاوه از میر آباد به طرف جنوب. محور سوم به فرماندهی علیرضا عسگری از بیوران به طرف شمال. با آغاز عملیات، دیدبان های گروه های ضد انقلاب که روی ارتفاعات اطراف منطقه مستقر بودند، با مشاهده ی حرکت یگان های عملیاتی سپاه و ارتش، موقعیت رزمندگان اسلام را به اطلاع نیروهای شان رساندند و آنان نیز به سرعت کادرها و نیروهای اصلی شان را به عراق منتقل کردند. با انتقال کادرهای اصلی ضد انقلاب به عراق، باقی مانده ی نیروهای تجزیه طلب به مقابله با نیروهای خودی پرداختند. این عملیات به مدت ۱۳ روز ادامه یافت و در طول آن ۱۶ روستا پاک سازی شد و ارتفاعات مهم منطقه به تصرف نیروهای سپاه و ارتش درآمد. در این عملیات، ۱۵ نفر از رزمندگان اسلام بر اثر آتش توپ خانه ی عراق یا گلوله های شورشیان شهید و ۱۷ نفر مجروح شدند. از نیروهای ضد انقلاب نیز ۱۶ نفر و از نیروهای ارتش عراق ۱۵ نفر کشته شدند.

آذربایجان غربی در دفاع مقدس

ارتش عراق قبل از آغاز رسمی جنگ، بارها مناطق مرزی استان آذربایجان غربی را هدف حملات هوایی و توپ خانه یی قرار داده بود، اما در ابتدای جنگ (۳۱ شهریور ۱۳۵۹) برای تضمین موفقیت در جبهه های جنوبی و غربی کشور از تجاوز زمینی به استان آذربایجان خودداری کرد و تنها به بمب باران برخی شهرها و پادگان های استان پرداخت. فرماندهی ارتش عراق این گونه می پنداشت که با فعالیت گروه های تجزیه طلب در مناطق کردنشین و حملات پی در پی آنان به شهرها، جاده ها، مراکز نظامی و انتظامی، نیازی به حمله ی زمینی به مرزهای استان آذربایجان غربی نیست، اما هنگامی که پیشروی واحدهای ارتش عراق در جبهه های جنوبی و غربی متوقف شد، اولین واحدهای لشکر ۷ پیاده ی عراق در ۲۳ مهر ۱۳۵۹، در مناطق مرزی حاج عمران (مقابل پیرانشهر) مستقر شدند. یگان های تحت امر قرارگاه حمزه سیدالشهدا در استان آذربایجان غربی با آن که درگیر جنگ ضد شورش گری در مناطق کردنشین استان بودند، ضمن آزاد سازی شهرهای مرزی و راه های ارتباطی بین شهری، تلاش برای مستقر شدن در مرز را آغاز کردند. اولین واحد رزمی در ۲۷ مهر ۱۳۵۹ بعد از آزاد سازی پیرانشهر در منطقه ی مرزی تمر چین مستقر شد و سپس با اجرای عملیات تأمین مرز در مناطق اشنویه و سردشت، یگان های تابع قرارگاه حمزه در بیش تر مناطق مرزی استقرار یافتند. پس از آن که یگان های سپاه و ارتش توانستند مناطقی را که ارتش عراق در جنوب و غرب ایران اشغال کرده بود، آزاد کنند، قرارگاه حمزه با توجه به برقراری امنیت نسبی در مناطق شمال غرب کشور، به منظور اجرای استراتژی تنبیه متجاوز، جبهه ی جدیدی علیه ارتش عراق در استان های آذربایجان غربی و کردستان باز کرد. از این زمان به بعد، عملیات های متعددی در مرزهای استان به دو شکل منظم و نامنظم اجرا شدند که اجرای عملیات های منظم به عهده ی یگان های سپاه و ارتش بود و عملیات های نامنظم را واحدهای قرارگاه رمضان با هم کاری حزب دمکرات کردستان عراق به رهبری مسعود بارزانی و اتحادیه ی میهنی کردستان

عراق به رهبری جلال طالبانی در مناطق عمقی کردستان عراق اجرایی کردند.

تجاوزات عراق قبل از آغاز جنگ

ارتش عراق پیش از آغاز جنگ تحمیلی ۳۰ بار به مرزهای استان آذربایجان غربی تجاوز کرد که مهم ترین آن، دوبار بمب باران خونین شهرستان سردشت بوده است.

اولین بمب باران سردشت

اولین حمله‌ی هوایی عراق به مناطق مرزی استان آذربایجان غربی، ۱۵ ماه قبل از هجو سراسری ارتش عراق و اندکی بعد از کوتای بدون خونریزی صدام حسین علیه حسن البکر انجام شد. در طول این حمله که در ساعت ۱۴:۳۰ دو شنبه ۱۴ خرداد ۱۳۵۸ و در اولین هوایمی شناسایی عراق روستاهای منطقه‌ی آلواتان سردت را شناسایی و سپس ۲ جنگنده بمب افکن عراق روستاهای گروه شیر، کانی زرد، توژال، نوکان، ساران، داودآباد و بیدلان را بمب باران کردند. نیم ساعت بعد از آن، ۲ بال گرد عراقی وارد حریم هوایی ایران شدند و مردم این روستاها را که در حال فرار به ارتفاعات منطقه بودند به رگبار مسلسل و راکت بستند. سپس، ۴ جنگنده بمب افکن دیگر، این روستاها را با بمب ناپالم (آتش زا) بمب باران کردند که بر اثر آن بسیاری از خانه‌ها و روستاییان و لوازم آن‌ها در آتش سوختند. در این حمله‌ی هوایی، ۶ نفر از ساکنان روستاها شهید و ۲۲ نفر مجروح شدند. همچنین صدها رأس گاو و گوسفند اهالی این مناطق از بین رفتند. ارتش عراق ادعا کرد این حمله به منظور از بین بردن مرکز استقرار نیروهای وابسته به مسعود بارزانی (قیاده موقت) در مرزهای ایران و عراق انجام شده است، در حالی که همه‌ی آسیب دیدگان این حمله ایرانی بودند.

دومین بمب باران سردشت

ساعاتی قبل از آغاز کودتای نوژه در ایران، ۸ هوایمی میگ و سوخوی نیروی هوایی عراق در ساعت ۱۱:۳۰ روز چهارشنبه ۱۸ تیر ۱۳۵۹، روستاهای زوران و گوره شیر را در منطقه‌ی مرزی آلواتان سردشت بمب باران کردند. در این تهاجم هوایی ۱۱ نفر از مردم شهید و بسیاری نیز مجروح شدند و خسارت‌های فراوانی به مناطق مسکونی این دو روستا و احشام روستاییان وارد شد.

کودتاچیان بعد از دست گیری، اعتراف کردند در هماهنگی انجام شده با عراق، مقرر شده بود نیروی هوایی این کشور، یکی از مناطق مرزی ایران را در غرب کشور بمب باران کند، سپس بدین بهانه کودتاچیان برای پاسخ گویی به اقدام تجاوز کارانه‌ی ارتش عراق از مقامات ایران مجوز پرواز از پادگان شهید نوژه‌ی همدان و اجرای عملیات هوایی در عراق را اخذ کنند، اما به جای پرواز به سمت عراق، به طرف تهران حرکت و برخی مناطق مهم در تهران از جمله جماران را بمب باران کنند.

هجوم سراسری ارتش عراق

مأموریت سپاه یکم ارتش عراق تأمین محدوده‌ی مرزی عراق با استان کردستان و آذربایجان غربی و حمایت و پشتیبانی از گروه‌های تجزیه طلب بود که مرکز آن در کرکوک قرار داشت. یگان‌های سازمانی سپاه یکم ارتش عراق شامل دو لشکر پیاده کوهستانی ۷ و ۱۱ بود که هر دو لشکر در روزهای

آغازین جنگ در منطقه‌ی سرزمینی خود مستقر بودند، اما مقاومت در خرمشهر موجب شد لشکر ۱۱ عازم جبهه‌ی خرمشهر - آبادان شود. در دوران اشغال خرمشهر، فرماندهی شهر به عهده‌ی لشکر ۱۱ بود و در عملیات آزادی خرمشهر بیش‌ترین اسیر از لشکر ۱۱ گرفته شد.

اما لشکر ۷ پیاد کوهستانی در جبهه‌ی شمالی باقی ماند. ارتش عراق در سال اول و دوم جنگ به دلیل تداوم فعالیت‌های شورش گران در جبهه‌ی آذربایجان غربی، به جز حمایت از شورش گران و تجاوزهای هوایی و عملیات در مرز پیرانشهر، به اقدامات مهم دیگری دست نزد. در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ پایگاه هوایی کرکوک، پادگان قوشچی ارومیه و نقاط مسکونی پیرانشهر و پادگان تپ مستقر در این شهر را هم زمان با ۱۷ شهر دیگر ایران بمب باران کرد. از نیمه‌ی دوم مهر ۱۳۵۹، اخباری مبنی بر آماده شدن ارتش عراق برای استقرار در منطقه‌ی مرزی پیرانشهر دریافت می‌شد، اما به دلیل تسلط گروه‌های تجزیه طلب بر پیرانشهر و منطقه‌ی مرزی ترمچین، یگان‌های ارتش و نیروهای سپاه نمی‌توانستند در این منطقه مستقر شوند.

بعد از آن که نیروهای سپاه و ارتش توانستند در ۲۷ مهر ۱۳۵۹، پیرانشهر را از اشغال گروه‌های شورشی خارج کنند، واحدهای عملیاتی ایران موفق شدند در منطقه‌ی ترمچین استقرار یابند، در حالی که واحدهای ارتش عراق چهار روز قبل، یعنی در ۲۳ مهر ۱۳۵۹، در مرز حاج عمران مستقر شده بودند.

بمب باران زندانیان دولتو

ارتش عراق بعد از ناکامی‌های اولیه در هدف‌های راهبردی خود پس از هجوم سراسری و نیز در حالی که اختلاف‌ها در مرکزیت جمهوری اسلامی به شدت ادامه داشت و جناح طرف داری رئیس‌جمهوری وقت مرکب از جبهه‌ی ملی، سازمان‌های مجاهدین خلق (منافقین) و حزب دمکرات کردستان (به رهبری قاسملو) از یک سو و دولت، مجلس و قوه‌ی قضاییه از طرف دیگر در برابر یکدیگر جبهه‌گیری کرده بودند، نیروی هوایی عراق در اقدامی جنایت آمیز و هماهنگ با حزب دمکرات کردستان ایران، زندان دولتو را بمب باران کرد. این زندان در روستای دولتو قرار داشت و حزب دمکرات کردستان ایران از ماه قبل، حدود ۲۸۰ نفر از افراد سپاه، بسیج، ارتش، ژاندارمری، پیش‌مرگان مسلمان کرد، کارکنان ادارات و مخالفانش را که در نقاط گوناگون استان آذربایجان غربی دست‌گیر کرده بود، در این زندان و در چند ساختمان مجزا از یکدیگر زندانی کرده بود و حدود ۱۵۰ زندان بان از آنان مراقبت می‌کردند. در ساعت ۱۱ روز پنج‌شنبه ۱۷ اردیبهشت ۱۳۶۰، در حالی که زندانیان مشغول بیگاری در محوطه‌ی زندان بودند، ۲ هواپیمای میگ عراقی به اجرای مانور بر فراز روستای دولتو پرداختند. در این زمان، زندان بانان بی‌درنگ همه‌ی زندانیان را مجبور کردند به داخل ساختمان‌ها بروند و سپس درها را قفل کردند و خودشان از زندان فاصله گرفتند و در تپه‌های اطراف پراکنده شدند. سپس، هواپیماهای مهاجم ساختمان زندان را بمب باران کردند و بعد از آن، ۵ بالگرد عراقی با حضور در فضای محوطه‌ی زندان، افراد سالم و مجروح را که در حال فرار به اطراف بودند با راکت و تیربار به گلوله بستند. شماری از اسیران نیز با شلیک گلوله‌ی نگهبانان به شهادت رسیدند. در این اقدام جنایت‌کارانه‌ی مشترک ارتش بعث عراق و حزب منحله‌ی دمکرات، ۸۰ نفر از اسیران شهید و بیش از ۱۰۰ نفر مجروح شدند.

شورشیان ۷۴ نفر از زندانیانی را که آسیبی ندیده بودند، بار دیگر دست‌گیر کردند. در این حادثه ۴ قبضه تیربار کالیبر ۵۰ متعلق به شورشیان - که در اطراف زندان مستقر بودند - هیچ‌گونه واکنشی در

مقابل هوایماها و بال گردهای عراقی نشان ندادند. حزب منحله‌ی دمکرات مدتی بعد برای بی گناه جلوه داد خود در این اقدام جنایت کارانه، شماری از مجروحان را آزاد کرد تا تحت درمان قرار گیرند.

بمباران شیمیایی سردشت

در هفتمین سال دفاع مقدس و ناکامی های پی در پی و ۷ ساله‌ی ارتش بعث عراق، حکومت عراق دست به اقدامی فاجعه آمیز زد که در طول تاریخ ۷ ساله‌ی جنگ بی سابقه بود. در ساعت ۱۶:۱۰ روز ۷ تیر ۱۳۶۶، چند هوایمی عراقی وارد حریم هوایی سردشت شدند و ابتدا پادگان سپاه را در غرب سردشت بمب باران و سپس چند بمب شیمیایی در نقاط مسکونی شهر رها کردند.

با آن که ارتش بعث عراق بارها مواضع رزمندگان را در جنوب و غرب کشور بمباران شیمیایی کرده بود و رزمندگان آمادگی مقابله با حملات شیمیایی عراق را در این نقاط داشتند، اما این اولین بار بعد از جنگ جهانی دوم بود که یک شهر مسکونی بمباران شیمیایی می شد، از آن جا که یکان های سپاه، ارتش، دستگاه های دولتی و مراکز درمانی آمادگی و توانایی مقابله با این فاجعه را نداشتند، مداوای مجرمان و مصدومان با مشکلات و نارسایی های فراوان هم راه شد و در این حادثه ۱۰۸ نفر از مردم سردشت شهید و صدها نفر نیز شیمیایی شدند.

این اقدام جنایت کارانه‌ی ارتش عراق که با سکوت مجامع و سازمان های بین المللی هم راه بود، موجب شد صدام و حزب بعث در عملیات والفجر ۱۰ جسارت بیش تری از خود نشان دهند و شهر حلبچه را به طور گسترده بمباران شیمیایی کنند و هزاران مرد و زن و کودک را از بین ببرند.

ارتش عراق در هجوم سراسری اش به مرزهای زمینی ایران، به غیر از نوار مرزی نوسود تا میوان، در سراسر نقاط مرزی جبهه‌ی شمالی، از مرزهای زمینی ایران عبور نکرد. بنابراین، در نوار مرزی آذربایجان غربی منطقه‌ی اشغال شده‌ی وجود نداشت که برای آزاد سازی آن از اشغال ارتش تجاوز گر اقدام شود، اما پس از بیرون راندن متجاوزان از بیش تر مناطق اشغال در جبهه های میانی و جنوبی و پس از اتخاذ استراتژی تنبیه متجاوز، جبهه‌ی آذربایجان غربی نیز فعال شد.

نبردهای جبهه‌ی شمالی و استان آذربایجان غربی به دو دلیل اهمیت داشتند:

۱. تابستان معتدل این منطقه عامل مهمی بود که مانع از سرد شدن تنور جنگ- در ایام تابستان بسیار داغ جنوب- می شد و بنابراین بیش تر نبردهای تابستانی دوران جنگ در این جبهه به وقوع می پیوست. ضمن این که جبهه‌ی شمالی بنا به دلایلی در زمستان ۱۳۶۶ نیز بسیار فعال بود.

۲. جغرافیای نظامی منطقه‌ی شمالی، امکان به کار گیری توان زرهی دشمن را- که عامل برتری ارتش عراق در میدان های جنگ بود- کاهش می داد.

با توجه به این موارد، از ماه های پایانی سومین سال جنگ، جبهه‌ی آذربایجان غربی فعال شد و در سه محور اشنویه، پیرانشهر و سردشت چند عملیات اجرا شد که در نتیجه‌ی آن بیش از ۴۶۰ کیلومتر مربع از خاک عراق آزاد شد؛ ۲۳,۹۰۰ نفر از نیروهای ارتش عراق کشته و زخمی شدند؛ ۲,۶۱۲ نفر از آنان به اسارت نیروهای ایرانی درآمدند و خسارت های فراوانی به تجهیزات آنان وارد شد.

عملیات والفجر ۲

رمز: یا الله

تاریخ: ۱۳۶۲/۴/۲۹ تا ۱۳۶۲/۵/۱۲

پس از اجرای موفق استراتژی آزادسازی سرزمین‌های اشغالی در جنگ، اولین عملیاتی که در جبهه‌ی شمال غرب کشور به منظور اجرای استراتژی تنبیه متجاوز انجام شد، عملیات والفجر ۲ بود که به همت یگان‌های رزمی سپاه و ارتش به طور مشترک اجرا شد. هدف اصلی این عملیات عبارت بودند از:

- خارج کردن پیرانشهر از زیر آتش توپ‌خانه‌ی ارتش عراق.

- تصرف پادگان حاج عمران و بخشی از سرزمین عراق.

- کنترل یکی از مسیرهای اصلی تردد گروه‌های شورشی از عراق به داخل کشور.

در این عملیات ارتفاعات گرده کوه (۲۴۳۵ متر) و گرده مند (۲۵۱۹ متر) و پادگاه حاج عمران به تصرف رزمندگان درآمدند و منطقه‌ی بی‌وسعت ۲۰۰ کیلومتر مربع آزاد شد. همچنین ۴۰۰۰ نفر از نیروهای ارتش عراق کشته و زخمی شدند و ۱۶۴ نفر نیز به اسارت نیروهای ایرانی درآمدند.

عملیات قادر

رمز: یا صاحب الزمان (عج)

تاریخ: ۱۳۶۴/۴/۲۴ تا ۱۳۶۴/۶/۱۸

پس از عملیات بدر و در ابتدای سال ۱۳۶۴، آیت الله هاشمی رفسنجانی فرمانده عالی جنگ، پذیرفت که ارتش و سپاه به طور جداگانه و در مناطق گوناگون وارد عمل شدند و عملیات‌های مستقلی را علیه ارتش عراق اجرا کنند. منطقه‌ی عمومی سیدکان عراق در محور اشنویه و پیرانشهر از جمله مناطقی بود که سپاه پاسداران با مدیریت قرارگاه رمضان از مدت‌ها قبل آن را آماده‌ی عملیات می‌کرد. هدف سپاه از اجرای عملیات در این منطقه عبارت بود از:

- فراهم کردن موقعیت برای اجرای جنگ‌های نامنظم در داخل عراق.

- اجرای عملیات‌های محدود موفق به منظور پیشبرد استراتژی درازمدت جنگ.

با اعلام آمادگی ارتش برای اجرای عملیات در این منطقه، سپاه پاسداران به دستور آیت الله هاشمی رفسنجانی، مدیریت عملیاتی این منطقه را به نیروی زمینی ارتش واگذار کرد و سرهنگ علی صیادشیرازی فرمانده نیروی زمینی ارتش نیز پس از برنامه‌ریزی‌های لازم، دستور اجرای عملیات قادر را در منطقه‌ی مرزی اشنویه و پیرانشهر به یگان‌های تحت امرش ابلاغ کرد.

در این عملیات تعدادی از یگان‌های رزمی سپاه به نیروی زمینی ارتش مأمور شدند تا عملیات با فرماندهی ارتش اجرا شود. این عملیات که در ۲۴ تیر ۱۳۶۴ آغاز شده بود، تا ۱۸ شهریور ۱۳۶۴، سه بار تکرار شد، اما هر بار بنا به دلایلی، اهداف عملیات تأمین نمی‌شد و در نهایت با تصرف بخشی از اهداف عملیات به پایان رسید. در این عملیات ۱۵۰۰ نفر از نیروهای دشمن کشته یا زخمی و ۲۰ نفر اسید شدند.

عملیات کربلای ۲

رمز: یا ابا عبدالله الحسین (ع)

تاریخ: ۱۳۶۵/۶/۱۰ تا ۱۳۶۵/۶/۱۱

بعد از شکست عراق در عملیات والفجر ۸ (در شبه جزیره ی فاو)، ارتش این کشور راهبرد دفاع متحرک را در پیش گرفت و توانست با اجرای عملیات هایی برخی مناطق تحت تصرف نیروهای خودی را پس بگیرد. نیروهای عراقی در ۲۴ اردیبهشت ۱۳۶۵ نیز عملیاتی را در منطقه ی حاج عمران اجرا کردند و توانستند ارتفاعات گرده کوه (۲۴۳۵ متر) و گرده مند (۲۵۱۹ متر) را تصرف کنند. پس از این اقدام ارتش عراق، قرارگاه حمزه سیدالشهدا با به کارگیری یگان های تحت امر خود به هم راه یگان های اعزامی سپاه از منطقه ی غرب و جنوب، عملیات کربلای ۲ را با هدف تصرف مجدد مناطق از دست رفته طرح ریزی و اجرا کرد که در طول آن رزمندگان سپاه اسلام موفق شدند ارتفاع ۲۴۳۵ را بار دیگر تصرف کنند. در این عملیات ۳۰۰۰ نفر از نیروهای عراقی کشته یا زخمی شدند و ۲۷۷ نفر از آنان نیز به اسارت نیروهای خودی درآمدند.

عملیات کربلای ۷

رمز: یا مولای متقیان (ع)

تاریخ: ۱۳۶۵/۱۲/۱۳ تا ۱۳۶۵/۱۲/۱۷

ارتفاع گرده کوه (۲۴۳۵ متر) از منطقه ی عملیات والفجر ۲ (حاج عمران) که در راهبرد دفاع متحرک عراق سقوط کرده بود، در عملیات کربلای ۲ به تصرف یگان های سپاه درآمد، اما ارتفاع گرده مند (۲۵۱۹ متر) در کنترل ارتش عراق باقی ماند. نیروی زمینی ارتش ایران تصمیم گرفت با اجرای عملیات کربلای ۷ این ارتفاع را تصرف کند. عملیات کربلای ۷ در تاریخ ۱۳ اسفند ۱۳۶۵ اجرا شد و به مدت ۵ روز ادامه یافت. لشکر ۶۴ ارومیه با اجرای این عملیات توانست به اهداف تعیین شده دست یابد. در این عملیات ۳۰۰۰ نفر از نیروهای عراقی کشته یا زخمی شدند و ۲۷۲ نفر نیز به اسارت نیروهای ایرانی درآمدند.

عملیات نصر ۷

رمز: یا فاطمه الزهرا (س)

تاریخ: ۱۳۶۶/۵/۱۴ تا ۱۳۶۶/۵/۲۳

دو هفته بعد از تصویب قطع نامه ی ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل و ۳ روز پس از فاجعه ی کشتار حجاج ایرانی در مکه ی معظمه، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی برای نمایش توان رزمندگان اسلام عملیات نصر ۷ را در منطقه ی مرزی سردشت اجرا کرد.

در طول این عملیات، یگان های نیروی زمینی سپاه موفق شدند با تصرف ارتفاعات مهم دوازدهم و ۲۳۷۹ و بلفت با ۲۱۴۴ متر ارتفاع، شهر سردشت را از زیر آتش توپخانه ی عراق خارج کنند و بر منطقه ی عمومی قلعه دیزه ی عراق مشرف شوند. در این عملیات، حدود ۷۰۰۰ نفر از نیروهای بعثی عراق کشته یا زخمی و ۲۵۹ نفر نیز اسیر شدند.

عملیات نصر ۸

رمز: یا محمد بن عبدالله (ص)

تاریخ: ۱۳۶۶/۸/۲۹ تا ۱۳۶۶/۸/۳۰

با حضور ناوگان جنگی امریکا در خلیج فارس و دریای عمان در اواسط سال ۱۳۶۶، درگیری هایی بین شناورهای دریایی سپاه و ارتش با ناوگان امریکا رخ داد. بعد از کاهش تنش های نظامی بین نیروهای ایرانی و امریکایی، بار دیگر عملیات زمینی در جبهه های جنگ تحمیلی در اولویت قرار گرفت و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران در صدد برآمد با به کارگیری یگان های تابعه در منطقه ی عمومی سردشت، عملیات جدیدی را طرح ریزی و اجرا کند تا با تصرف ارتفاعات، منطقه، سرپل مناسبی را برای عملیات های بعدی به دست آورد.

یگان های نیروی زمینی سپاه موفق شدند در عملیات نصر ۸ ارتفاع مهم گرده رش و چند ارتفاع دیگر را در منطقه ی عمومی ماووت عراق تصرف کنند. در این عملیات بیش از ۳۰۰ نفر از نیروهای ارتش عراق کشته یا زخمی و ۲۰۰ نفر نیز اسیر شدند.

عملیات بیت المقدس ۲

رمز: یا زهرا (س)

تاریخ: ۱۳۶۶/۱۰/۲۵ تا ۱۳۶۶/۱۱/۲

منطقه ی در شمال سلیمانیه قرار داشت و شامل ارتفاعات و یولان، گوجار، قمیش، دولبشک، الاغلو و آمدین می شد. این عملیات به منظور پیشروی به سمت جنوب و غرب منطقه و با هدف کنترل شهر سلیمانیه و نزدیک شدن به سد دوکان در منطقه ی قلعه دیزه طرح ریزی شد. تصرف این اهداف باید در چند مرحله انجام می شد.

نیروی زمینی سپاه پس از انجام دادن شناسایی های لازم و به کارگیری دو قرارگاه قدس و نجف، عملیات را از دو محور آغاز کرد. عملیات با پیشروی یگان هادر جنوب غربی سردشت و در منطقه یی به وسعت ۱۳۰ کیلومتر مربع شروع شد، اما به دلیل بارش برف سنگین؛ دشواری صعود به ارتفاعات و سرمای شدید، رزمندگان به همهی هدف های تعیین شده نرسیدند و فقط توانستند ارتفاعات قمیش و یولان را در شمال شرقی سلیمانیه عراق تصرف کنند. در این عملیات ۲۵۰ نفر از نیروهای عراقی کشته یا زخمی شدند و ۹۲۰ نفر نیز به اسارت نیروهای خودی درآمدند.

عملیات بیت المقدس ۳

رمز: یا موسی بن جعفر (ع)

تاریخ: ۱۳۶۶/۱۲/۲۳ تا ۱۳۶۶/۱۲/۲۸

هم زمان با اجرای عملیات بیت المقدس ۲، یگان های ارتش عراق روی ارتفاعات شاخ گوجار مستقر شدند. این ارتفاعات مشرف به مواضع نیروهای ایران در ارتفاعات قمیش و شاخ بالوسه بود و احتمال آن وجود داشت با مساعد شدن شرایط جوی، ارتش عراق به مواضع نیروهای خودی حمله و ارتفاعات را اشغال کند. به همین دلیل، فرماندهی کل سپاه در صدد برآمد ۲ ماه بعد از عملیات بیت المقدس ۲، عملیات جدیدی را برای تصرف ارتفاعات شاخ گوجار طرح ریزی کند.

در این عملیات که در ۲۳ اسفند ۱۳۶۶ اجرا شد، یگان های نیروی زمینی سپاه موفق شدند ارتفاعات شاخ گوجار را تصرف و پاتک های نیروهای عراقی را دفع کنند. در این عملیات ۱۳۰۰ نفر از نیروهای عراقی کشته یا زخمی و

۱۸۰ نفر نیز اسیر شدند.

در آخرین مراحل عملیات، دشمن برخی محورهای عملیاتی را بمب باران شیمیایی کرد و بسیاری از نیروها در این محورها مصدوم و از میدان نبرد خارج شدند. بدین ترتیب، عملیات بیت المقدس ۳ پس از شش روز درگیری با موفقیت پایان یافت.

عملیات‌های نامنظم

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، نیروهای حزب دمکرات کردستان عراق به رهبری مسعود بارزانی، روابط حسنه‌یی با جمهوری اسلامی ایران برقرار کردند. برخی دیگر از گروه‌های مقیم کردستان عراق نیز با جمهوری اسلامی ایران مراودات مثبتی داشتند.

در این میان، گروه اتحادیه‌ی میهنی کردستان عراق به رهبری جلال طالبانی، به رغم داشتن موقعیت سیاسی مشابه با سایر گروه‌های کرد عراقی، رفتار دو گانه‌یی را با (جمهوری اسلامی) ایران در پیش گرفت. با وجود این جمهوری اسلامی ایران توانست با مدیریت صحیح بحران‌های کشور در وضعیت جنگی، این گروه مخالف خود را به سازمان هم‌کاری کننده تبدیل کند.

از سال ۱۳۶۴ به بعد، سپاه پاسداران با تشکیل قرارگاه رمضان به فرماندهی محمدباقر ذوالقدر، توانست به هم راه اتحادیه‌ی میهنی به اجرای عملیات‌های مشترک برون مرزی در منطقه‌ی کردستان عراق اقدام کند. بدین ترتیب، قرارگاه رمضان ضمن هم‌کاری با کردهای بارزانی، امکام هم‌کاری مشترک با کردهای طالبانی را نیز به هدست آورد و به تناسب موقعیت جغرافیایی و منطقه‌ی تحت نفوذ بارزانی‌ها (در استان اربیل) و طالبانی‌ها (در استان سلیمانیه) با ۲ قرارگاه فرعی در منطقه‌ی اردبیل و سلیمانیه تأثیر گذاری را به طور نامنظم در عمق خاک عراق اجرا کرد.

عملیات فتح ۱

از اواخر سال ۱۳۶۴، فرماندهی سپاه پاسداران در صدد برآمد به منظور اجرای راهبرد تنبیه متجاوز پس از گشودن جبهه‌ی سوم در مناطق مرزی شمال غرب کشور، جبهه‌ی چهارم را در مناطق کردنشین شمال عراق بگشاید. در پی اقداماتی که قرارگاه رمضان انجام داد، اولین عملیات نامنظم در ۱۹ مهر ۱۳۶۵، با ترکیب نیروهای تحت امر قرارگاه رمضان و نیروهای میهنی کردستان عراق (به استعداد ۲ گردان از نیروهای پاسداران ویژه و یک گردان ادوات سپاه پاسداران و ۲ گردان از نیروهای اتحادیه‌ی میهنی کردستان عراق) در عمق ۱۵۰ کیلومتری این کشور و در شمال و جنوب شهر کرکوک، با رمز «پازینب (س)» اجرا و خسارت‌های فراوانی به تأسیسات نفتی کرکوک و مراکز دولتی این شهر وارد شد.

عملیات فتح ۳

عملیات نامنظم فتح ۳ در شمال عراق، طرح ریزی و به همت واحدهای تحت امر قرارگاه رمضان با هم‌کاری نیروهای حزب دمکرات کردستان عراق در ۲۹ آبان ۱۳۶۵ انجام شد. در این عملیات خسارت‌های فراوانی به تأسیسات و مراکز نظامی دو شهر زاخو و دهوک وارد شد و حدود ۵۰۰ نفر از نیروهای عراقی نیز کشته یا زخمی شدند.

موفقیت در عملیات فتح ۳ زمینه را برای اجرای عملیات فتح ۴ در شمال عراق فراهم کرد. این عملیات در حالی اجرا شد که مناطق مرزی ایران و عراق پوشیده از برف سنگین بود و کمک رسانی و پشتیبانی از نیروهای عمل کننده در عمق ۷۰ کیلومتری خاک عراق، در صورت نیاز، غیر ممکن یا بسیار دشوار بود.

به رغم این موانع، عملیات فتح ۴ در ۲۲ بهمن ۱۳۶۵، با رمز «یا الله» در عمق خاک عراق و در منطقه‌ی عمومی رواندوز و دیانا با هم کاری مشترک واحدهای تحت امر قرارگاه رمضان و حزب دمکرات کردستان عراق در دو مرحله اجرا شد که در هر مرحله خسارت‌های فراوانی به مراکز نظامی و تأسیسات عراق وارد شد و جمعاً بیش از ۱۰۰۰ نفر از ارتشیان عراق و مزدوران محلی آنان کشته یا زخمی شدند.

عملیات فتح ۶

با مناسب شدن اوضاع جوی در مناطق مرزی ایران و عراق، بار دیگر واحدهای تحت امر قرارگاه رمضان سپاه به شمال عراق نفوذ کردند تا با هم کاری نیروهای حزب کردستان عراق عملیات نامنظم دیگری را در محدوده‌ی شهرهای مرگه سور و دیانا اجرا کنند. پس از انتقال نیروها و تجهیزات، عملیات فتح ۶ با رمز «یا زهرا (س)» در ۲۷ خرداد ۱۳۶۶ اجرا شد و در طول آن نیروهای عمل کننده موفق شدند چند مرکز نظامی و تأسیسات دولتی شهرهای دیانا و مرگه سور عراق را منهدم کنند و بیش از ۸۰۰ نفر از مزدوران عراقی را به هلاکت برسانند و حدود ۱۳۰ نفر رانیز اسیر کنند.

یک ماه بعد از عملیات فتح ۶، عملیات فتح ۸ با هم کاری واحدهای قرارگاه رمضان و نیروهای حزب دمکرات کردستان عراق در اطراف شهر اتروش (در شمال شهر موصل) و در عمق ۲۰۰ کیلومتری کشور عراق طرح ریزی شد.

این عملیات با رمز «یا رسول الله (ص)» در ۲۸ تیر ۱۳۶۶ اجرا شد و در طول آن بیش از ۸۰۰ نفر از ارتشیان عراق و مزدوران وابسته به آنان کشته یا زخمی و ۳۰ نفر اسیر شدند. همچنین، نیروهای عمل کننده مراکز نظامی متعددی را منهدم و بعضی از آن‌ها را نیز تصرف کردند و سپس با موفقیت به میهن اسلامی ایران بازگشتند.

عملیات فتح ۱۰

پس از شناسایی‌های انجام شده از سوی قرارگاه رمضان، پایگاه‌های ارتش عراق و نیروهای جیش الشعبی روی ارتفاعات شمال شرقی شهر اربیل، هدف مناسبی برای اجرای عملیات مشترک تشخیص داده شد.

سپس، واحدهای تحت امر قرارگاه رمضان سپاه و نیروهای حزب دمکرات کردستان عراق، در ۱۳ شهریور ۱۳۶۶، عملیات فتح ۱۰ را با رمز «یا ابا عبدالله الحسین (ع)» برای انهدام مراکز و پایگاه‌های شناسایی شده آغاز کردند. در این عملیات، بیش از ۵۰۰ نفر از مزدوران عراقی کشته یا زخمی و ده‌ها نفر نیز اسیر شدند و ده‌ها خودرو؛ تعدادی سلاح انفرادی؛ چند پدافند هوایی و مقدار زیادی مهمات به غنیمت نیروهای عمل کننده در آمد عملیات ظرف ۱ در شمال شرق استان دهوک. در عمق ۲۰۰ کیلومتری خاک عراق و در نزدیکی رمز عراق با ترکیه طرح ریزی شد. واحدهای قرارگاه رمضان این عملیات را با هم کاری بازرانی هادر ۲۷ شهریور به وسعت ۳۰ کیلومتر مربع در اطراف شهر کانی ماسی، اجرا کردند و در طول آن نیروهای عمل کننده توانستند تعداد زیادی از پایگاه‌های ارتش عراق و مزدوران گردان‌های خفیه را منهدم کنند. در این عملیات حدود ۱۰۰ نفر از نیروهای عراقی کشته یا زخمی و ۵۰۰ نفر اسیر شدند. همچنین، ده‌ها تانک و نفربر؛ تعدادی خودرو و چند انبار مهمات عراق منهدم شد و مقداری سلاح

و تجهیزات به غنیمت نیروهای عمل کننده درآمد.

عملیات ظفر ۴

در ۲۸ آبان ۱۳۶۶، واحدهای تحت امر قرارگاه رمضان به عمق ۲۵۰ کیلومتری خاک عراق نفوذ کردند و همراه با نیروهای حزب دمکرات کردستان عراق، عملیات نامنظم ظفر ۴ را اجرا کردند.

در این عملیات که با رمز «رسول الله (ص)» و با هدف انهدام تأسیسات نظامی-اقتصادی عراق در شهر دهوک انجام شد، نیروهای عمل کننده توانستند علاوه بر انهدام تعیین شده، ۱۰ پایگاه حفاظتی را که برای برقراری عبور و مرور در جاده‌ی بغداد- ترکیه ایجاد شده بود، تصرف و از رفت و آمد در این جاده به طور موقت جلوگیری کنند. همچنین، نیروهای عمل کننده توانستند بیش از ۴۰۰ نفر از نیروهای بعثی عراقی را به هلاکت برسانند یا زخمی کنند و پس از اجرای پیرومندان‌هی عملیات به سرزمین اسلامی ایران بازگرداند.

عملیات نامنظم ظفر ۵، ۲۲ دی ۱۳۶۶ در عمق ۲۰۰ کیلومتری عراق، با رمز «یا زهرا (س)» در حالی اجرا شد که ارتفاعات مرزی ایران پوشیده از برف بود و ایران پوشیده از برف بود و نفوذ نیروهای عمل کننده و انتقال وسایل و تجهیزات مورد نیاز برای عملیات تا عمق خاک عراق به سختی انجام شد.

در این عملیات، واحدهای تابعه‌ی قرارگاه رمضان سپاه و نیروهای بارزانی توانستند بسیاری از پایگاه‌های حفاظتی مستقر در اطراف شهرهای دهوک، عمادیه، دیرلوک و شیلادیزه را منهدم کنند؛ خسارت‌های فراوانی به مراکز دولتی و تأسیسات اقتصادی عراق در این منطقه وارد آوردند.

سردار شهید سر لشکر پاسدار محمد بروجردی، فرمانده قرارگاه حمزه سیدالشهدا

میرزا محمد بروجردی در سال ۱۳۳۳ در خانواده‌ای مذهبی و مستضعف در روستای دره گرگ از توابع شهرستان بروجرده دیده به جهان گشود. تحصیلات ابتدایی خود را در کلاس‌های اکابر گذرانید و همزمان با درس به کار نیز می‌پرداخت.

محمد در سن ۱۸ سالگی بنا به حسنه رسول اکرم (ص) ازدواج کرد که سمیه و حسین هدایای الهی این پیوندند. خدمت سربازی وی به فرار انجامید و به قصد دیدار امام (ره) رهسپار عراق شد اما متأسفانه به وسیله ساواک ایران در مرز دستگیر، و پس از ۶ ماه حبس و تحمل شکنجه‌های فراوان عاقبت آزاد شد. او برای گذراندن خدمت اجباری به تهران آمد و در سال ۱۳۵۵ به اتفاق چند تن دیگر از همزمانش به سوریه رفت و در آنجا نزد اما موسی صدر، شهید محمد منتظری و جلال‌الدین فارسی، آموزش نظامی دید و سپس به ایران بازگشت، محمد بعد از قیام ۲۹ دی ماه ۱۳۵۶ در قم، برای انجام عملیات و مبارزه نظامی علیه رژیم، عملیات انفجار رستوران خوانسالار (عشر تکه جاسوسان آمریکایی)، انفجار اتوبوس آمریکایی‌ها در لویزان، خلع سلاح قرارگاه پلیس و کلانتری ۱۴ تهران، انفجار کاخ جوانان، نیروگاه برق، عملیات نظامی ۱۵ خرداد ۱۳۵۷ و شرکت در تصرف پادگان جمشیدیه و رادیو و تلویزیون تهران را طرح ریزی و اجرا کرد.

با پیروزی انقلاب اسلامی فعالیت‌های وی در ابعاد گسترده تری با مسئولیت حفاظت از حضرت امام (ره) در فرودگاه، مسیر بهشت زهرا و مدرسه علوی که از طرف شورای انقلاب به او واگذار شده بود، آغاز شد و پس از مدتی سرپرستی زندان اوین به عهده وی گذاشته شد و بعد از چندی همراه چند تن از اعضای شورای انقلاب، سپاه

پاسداران را تاسیس و مدتی در شورای مرکزی آن انجام وظیفه کرد. طی دوران کوتاهی مسئولیت پادگان ولی عصر (عج) را به عهده داشت.

وجود او در غرب به مثابه تیری در چشمان کفار و دشمنان اسلام بود. او با پذیرفتن فرماندهی عملیات غرب کشور به پاکسازی مناطق کردستان ادامه داد و نقش فعالی در این راستا ایفا کرد.

هنگامی که دولت موقت با سیاست های گام به گام و هیأت به اصطلاح حس نیت و خلع سلاح کرد، کردستان را دوبار، به ضد انقلاب سپرد، شهید بروجردی برای انجام و سازماندهی مسلمانان کرد مهاجر علیه ضد انقلابیون وابسته به استکبار جهانی، پیشنهاد تشکیل سازمان پیشمرگان مسلمان کرد را در شورای عالی سپاه مطرح کرد و بنا به صلاح دید شهید آیت الله دکتر محمد حسین بهشتی و آیت الله علی اکبر هاشمی رفسنجانی مسئولیت تشکیل و راه اندازی آن به وی محول شد، هدف از اجرای این طرح نشان دادن جدایی صف مرد کرد از صف ضد انقلاب بود و با این روش خط بطلانی بر تبلیغات سوء و عوام فریبانه استکبار جهانی کشیده می شد.

اولین گام برای قلع و قمع ضد انقلاب با پاکسازی کامیاران که کلید فتح کردستان به شمار می رفت برداشته شد، آغاز جنگ تحمیلی و حضور متهورانه محمد در جبهه باعث شد که منطقه سرپل ذهاب از سقوط حتی نجات یابد (در این جبهه او از ناحیه دست مجروح شد)

تشکیل قرارگاه حمزه سیدالشهدا (ع) برای هدایت نیروهای سپاه، ارتش و ژاندارمری با فرماندهی مشترک در مناطق غرب و شمالغرب، همچنین تأسیس تیپ ویژه شهدا از ابتکارات ایشان بود که به تصویب و اجرا رسید.

شهید بروجردی در اول خرداد ۱۳۶۲ برای استقرار تیپ ویژه شهدا در مسیر جاده مهاباد-نقده با چند تن دیگر از همزمانش از روی مین ضد تانکی که توسط دمکرات ها کار گذاشته شده بود عبور کرد و به شهادت رسید-روحش شاد.

سردار شهید محمد علی گنجی زاده، فرمانده تیپ ویژه شهدا، کردستان

محمد علی گنجی زاده در سال ۱۳۴۱ در بخش زواره اردستان اصفهان دیده به جهان گشود. او به عنوان دانش آموز ممتاز دوره راهنمایی را پشت سر نهاد و بنا به توصیه مربیان خود به اصفهان رفت و در رشته ریاضی فیزی یک موفق به اخذ مدرک دیپلم شد. وی با کسب رتبه ۱۰۶ در کنکور سراسری، تحصیلات خود را در رشته برق و الکترونیک دانشگاه تهران ادامه داد. با آغاز انقلاب فرهنگی در دانشگاه ها و شعله ور شدن آتش فتنه در کردستان به آنجا رفته و به مدت ۶ ماه در سنگر جهاد سازندگی جوانرود به کار تدریس و تبلیغ مشغول شد، و یک برنامه دراز مدت فرهنگی را در آن دیار آغاز نمود. سپس به عضویت سپاه تهران در آمد و همدوش یاران صمیمی اش شهید بروجردی و کاظمی خدات ارزنده ای، انجام داد.

وی به اتفاق شهیدان بروجردی و کاظمی برای انهدام ضربتی ضد انقلاب تیپ ویژه شهدا را تشکیل داد و سپس به عنوان فرمانده عملیات و معاون فرمانده تیپ انتخاب شد با شهادت برادر کاظمی مسئولیت فرماندهی تیپ شهدا را به دوش گرفت و این بار نیز به موفقیت های زیادی دست یافت.

عاقبت در تاریخ ۱۳۶۱/۶/۲۹ در عملیات حماسه آفرین پاکسازی جاده پیرانشهر- سردشت، به دست ناپاک ضد انقلاب به فیض شهادت نائل آمد.

سردار شهید علی قمی کردی جانشین فرمانده تیپ ویژه شهدا

علی قمی در سال ۱۳۳۹ در شهر مقدس قم در خانواده‌ای محروم، اماروحانی و پاسادیده به جهان گشود. تحصیلات خود را تا مدرک سیکل در زادگاهش ادامه داد. سپس همراه خانواده به تهران رفت و همگام با کار در مغازه دوک فروشی به تحصیلات خود ادامه داد.

در اوایل سال ۱۳۵۸ با روحیه‌ای انقلابی به سپاه پاسداران پیوست و پس از گذراندن دوره آموزشی در پادگان امام حسین (ع) به کرمانشاه اعزام شد و به همراه شهیدان کاظمی، کاوه و گنجی زاده برای پاکسازی اورامانات و پناه‌عازم این مناطق شد و پس از تشکیل تیپ ویژه شهدا به عنوان فرمانده یکی از گردانهای این تیپ منصوب شد و مدتی نگذشت که لیافت و توانمندی نظامی بالایی از خود نشان داد و به جانشینی فرماندهی این یگان انتخاب و در دهها عملیات که در محورهای کردستان انجام شد، از جمله در آزادسازی و پاکسازی جنگل‌های آلواتان، محورهای پیرانشهر - سردشت، سدبوکان، چهل چشمه و... حضور قدرتمند و حماسه آفرینی از خود نشان داد. وی در سال ۱۳۶۲ با عمل به سنت رسول اکرم (ص) با دختری مؤمن و معتقد ازدواج نمود و خطبه عقدشان توسط حضرت امام (ره) جاری شد.

علی قمی هنگام بازگشت از عملیات قائم (عج) خبردار می‌شود که ضد انقلاب در محور نقره - مهاباد نفوذ کرده و قصد تصرف چند پاسگاه را دارد، لذا بلافاصله به اتفاق ۷۰ تن از نیروهای زبده راهی آن منطقه شد و ضربات مهلکی را به دشمن وارد آورده لکن در همان منطقه، هنگام درگیری با مزدوران استکبار در تاریخ ۱۳۶۳/۴/۱۲ مورد اصابت گلوله خصم زبون قرار گرفت و عاشقانه به شهیدان کربلا پیوست.



ستاد مرکزی راهیان نور کشور